

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۳۰

تاریخ تصویب: ۹۷/۰۷/۰۱

صفحات: ۱-۳۵

## تهدیدات نظام اسلامی و راهبردهای مقابله با آن از منظر نهج البلاغه

عبدالله عراقی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران و عضو هیئت علمی دانشگاه امام

حسین(ع)

رضا جلالی\*

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

### چکیده

نظر به اهداف متعالی نظام اسلامی، تضاد منافع نظام اسلامی با جبهه استکبار، نقش مکتب حیات بخش اسلام در معادلات سیاسی جهان، جایگاه نظام سیاسی اسلام در ساختار ژئوپلیتیک و ساختار ژئواستراتژی جدید جهان، پیچیدگی رفتار بازیگران در حوزه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و تجارب تلخ تاریخ اسلام در ادوار گذشته از یک سو و از سوی دیگر نظر به چشم‌اندازی که مصحف شریف نهج البلاغه در خصوص تهدیدات متصور برای نظام اسلامی ترسیم نموده؛ موضوع این نوشتار «تهدیدات نظام اسلامی و راهبردهای مقابله با آن از منظر نهج البلاغه می‌باشد. نوشتار حاضر بر آن است تا با مطالعات اکتشافی در آن منبع بی‌بدیل با بهره‌گیری از متد علمی رایج، علاوه بر تبیین تهدیدات متصور بر امنیت نظام اسلامی راهبردهای دفع تهدیدات فوق را از نهج البلاغه احصاء و ارائه نماید.

**کلید واژه:** تهدیدات، امنیت، نظام اسلامی، راهبرد، نهج البلاغه، اهداف.

---

\* نویسنده مسئول، ایمیل: r.jalali@yahoo.com

تهدید یک واقعیت زندگی است که قدمت آن به قدمت حیات بشر می‌رسد؛ شکل‌گیری این پدیده متأثر از ویژگی‌های منحصر به فرد انسان چون تعقل، تفکر، تدبیر، تصمیم، و ... می‌باشد. آموزه‌های دینی وقوع این پدیده را متأثر از اهداف راهبردی و گرایش‌های دو جبهه حق و باطل می‌داند این مهم را قرآن کریم چنین ترسیم می‌نماید: (الف) جبهه حق: «... اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ - ترجمه: خدا دوست کسانی است که ایمان آورده‌اند و ایشان را از تاریکی‌ها (کفر) بسوی روشنایی هدایت می‌کند» (ب) جبهه باطل: «... وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ - ترجمه: و آنانکه کفر ورزیدند آن طاغوت، کافران را از روشنایی بسوی تاریکی‌ها (گمراهی) هدایت می‌کند...» (قرآن کریم، بقره: ۲۵۷) رهبران دو جبهه در راستای تحقق اهداف متصور نظر به ارزش‌های حاکم بر نظام سیاسی از ظرفیت در اختیار حداکثر بهره‌برداری را به عمل می‌آورند. که صاحب‌نظران این فرآیند را زمینه شکل‌گیری تهدید و صف آرایی دو جبهه می‌دانند. حضرت علی (ع) واقعیت فوق را چنین بیان می‌فرماید: «... حَقٌّ وَ بَاطِلٌ، وَ لِكُلِّ أَهْلٍ - ترجمه: حق و باطل همیشه در پیکارند و برای هر کدام طرفدارانی است...» (دستی، ۱۳۸۳، خطبه ۱۶: فراز ۵) حضرت در راستای ایجاد ظرفیت در نظامی اسلامی برای مقابله با تهدیدات استکبار چشم‌انداز تهدیدات همه جانبه استکبار را چنین ترسیم می‌فرماید: «... (الف) تهدید امنیتی (ترور): فَأَرَادَ قَوْمُنَا قَتْلَ نَبِيِّنَا - قوم ما (قریش) آهنگ کشتن پیامبر ما کردند. (ب) تهدید اعتقادی: وَ اجْتِيَا حَ أَصْلِنَا - خواستند که ریشه ما برکنند. (ج) تهدید سیاسی: وَ هَمُّوا بِنَا الرَّهْمُومَ، وَ فَعَلُوا - پس درباره ما بارها نشستند و رأی زدند و بسا کارها کردند. (د) تهدید اجتماعی: بِنَا الْأَفَاعِيلَ، وَ مَنَعُونَا الْعَذْبَ، وَأَخْلَسُونَا الْخَوْفَ - از زندگی شیرین منعمان نمودند و با وحشت دست به گریبانمان ساختند. (ه) تهدید اقتصادی: وَأَضْطَرُّونَا إِلَى جَبَلٍ وَعَرٍ - ما را وادار کردند که بر کوهی صعب زیستن گیریم. (و) تهدید نظامی: وَ أَوْ قَدُّوا لَنَا نَارَ الْحَرْبِ - سپس برای ما آتش جنگ افروختند...» (خان احمدی، ۱۳۹۵: ۵۵)

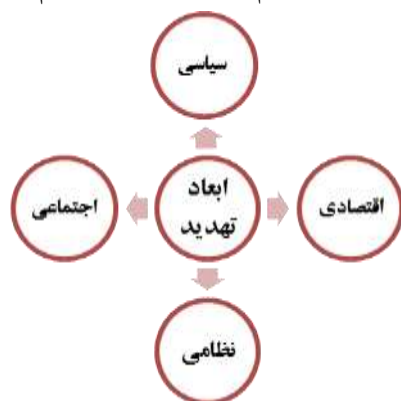
### چارچوب نظری:

نهج‌البلاغه مرجع و منبع علمی بی‌مانندی است که بیش از صدها اثر شگرف از آثار اندیشه‌های والا و سترگ حضرت علی (ع) اعم از خطبه، حدیث، نامه، وصیت‌نامه، موعظه، کلمات قصار، فرمان‌های حکومتی را در ابعاد اعتقادی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، سیاسی،

تهدیدات نظام اسلامی و راهبردهای مقابله با آن از منظر نهج البلاغه

فرهنگی، روحی-روانی، مدیریتی، ... با رویکردهای امنیتی به همراه دستورالعمل‌های هر بُعد در کنار هم گرد آورده‌است؛ که هر کدام از مباحث یک چشم‌انداز مطلوب برای تحقق اهداف متعالی نظام اسلامی باشد. در این مرجع امنیت و تهدیدات امنیتی به صورت مستدل، منطقی، دقیق و کاربردی مطرح شده؛ به گونه‌ای که به جرأت می‌توان ادعا کرد که متون تدوین شده در این حوزه برگرفته از مباحث مطرح شده در این مرجع است. لذا محقق برآن است تا تهدیدات متصور بر امنیت نظام اسلامی را به منظور ارائه راهبرد از نهج البلاغه احصاء و تدوین نماید.

از منظر نهج البلاغه چه تهدیداتی برای امنیت نظام اسلامی متصور است؟ با نگرش اجمالی به زندگی انسان، این واقعیت قابل استنباط است که جمعی زیستن جزء جدائی ناپذیر زندگی انسان است. از سوی وجود انگیزه‌ها، گرایش‌ها، اهداف متضاد انسان در زندگی جمعی، و همچنین جاذبه‌ها و منافع شخصی و اجتماعی، مادی و معنوی، میلی یا منطقی، دنیوی یا اخروی، مکاتب را به تکاپو، تلاش و تحرک در امور وادار می‌کند که ضرورتاً هم سو و هماهنگ با یکدیگر نبوده، و به مقصد مشترکی رهنمون نیست. چنین فرایندی منجر به شکل‌گیری تعارضات و وقوع تهدیدات می‌گردد. نظر به سخن حضرت علی(ع) که می‌فرماید: « فَأَرَادَ قَوْمُنَا قَتْلَ نَبِيِّنَا، وَاجْتِيَا حَاصِلِنَا، وَهَمُّوا بِنَا الْهَمُّومَ، وَفَعَلُوا بِنَا الْأَفَاعِيلَ، وَ مَعُونَا الْعَدْبَ، وَأَخْلَسُونَا الْخَوْفَ، وَأَضْطَرُّونَا إِلَى جَبَلٍ وَعُغْرٍ، وَ أَوْ قَدُّوْنَا لَنَا نَارَ الْحَرْبِ...-ترجمه قوم ما (قریش) آهنگ کشتن پیامبر ما کردند، خواستند که ریشه ما برکنند، پس درباره ما بارها نشستند و رأی زدند، و بسا کارها کردند، از زندگی شیرین منع‌مان نمودند، و با وحشت دست به گریبانمان ساختند، ما را وادار کردند که برکوهی صعب زیستن گیریم، سپس برای ما آتش جنگ افروختند...» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، جلد ۵: ۱۰۹) و الگوهای تهدید شناسی؛ مدل مفهومی ابعاد تهدید از منظر نهج البلاغه را می‌توان به شرح زیر ترسیم نمود:



مدل مفهومی ابعاد تهدید از منظر نهج البلاغه

**سؤال دوم:** از منظر نهج البلاغه هر بُعد تهدیدات برخوردار از چه شاخص‌های است؟ در

راستای ارائه پاسخی مستدل و منطقی به سؤال فوق سؤالات زیر طرح گردید.

از منظر نهج البلاغه برای تهدیدات فرهنگی- اجتماعی چه شاخص‌های مترتب است؟ امنیت فرهنگی- اجتماعی ناظر بر آرامش و آسایش و رفاه مادی و معنوی جامعه توأم با عدالت اجتماعی، فقدان تبعیض و فقر، برقراری نظم اجتماعی و پابندی دولت و حکومت و آحاد ملت به قانون و حقوق قانونی، روابط حسنه بین گروه‌ها و اقشار اجتماعی، تبعیض مالکیت و دارائی آحاد مردم از دستبرد، حفظ جان، مال و ناموس مردم از تعرض، فقدان ناهنجاری اجتماعی و فساد، استقرار نظام بهینه تأمین اجتماعی و رسیدگی به امور نیازمندان و نظایر آن می‌باشد. (حافظانیا، ۱۳۸۷: ۳۳۱) این بُعد امنیت به امکان تداوم و تکامل الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، آداب و رسوم و هویت ملی مربوط است. در این حوزه مرجع تهدید جامعه می‌باشد. لذا تهدیدات این حوزه هویت ملی و گروه‌های اجتماعی را هدف قرار می‌دهد. براساس مطالعات اکتشافی در نهج البلاغه شاخص‌های تهدید بُعد فرهنگی- اجتماعی به شرح زیر تبیین و تشریح می‌شود.

## انحرافات

این شاخص با ویژگی ارزش محوری؛ و رویکرد داخلی و خارجی داشتن قادر به سرنگونی نظام می‌باشد. نظر به نقش مخرب این شاخص در شکل‌گیری حادثه ننگین حکمیت؛ حضرت علی(ع) مسلمانان را چنین هشدار می‌دهند: «... أَنَّمَا بَدَأُ وَقُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تَتَّبِعُ وَ أَحْكَامُ تُبَدَعُ خَالَفُ فِيهَا كِتَابٌ» - ترجمه: جز این نیست، که آغاز پیدایش فتنه‌ها پیروی از هواهای نفسانی است و نیز بدعت‌هایی که گذاشته می‌شود، بدعت‌هایی بر خلاف کتاب خدا...» (دشتی، ۱۳۸۳، خطبه ۵۰: فراز ۱)

## تفرقه

این شاخص با ویژگی نسبی؛ و رویکرد بسیط و چند وجهی داشتن به شدت امنیت نظام را به مخاطره می‌اندازد. نظر به نقش شاخص فوق در شکست سپاه اسلام در حمله ضحاک ابن قیس به کاروان حجاج و غارت اموال؛ حضرت چنین هشدار می‌دهند: «... النَّاسُ الْمُجْتَمِعَةُ أَبْدَانُهُمُ الْمُحْتَلِفَةُ أَهْوَاؤُهُمْ كَلَامُهُمْ يُوْهَى الصُّمُّ الصَّلَابَ وَ فِعْلُكُمْ يُطْمَعُ فِيكُمْ الْأَعْدَاءُ!» - ترجمه: ای مردمی که به تن‌ها مجتمعد و به آراء متفرق. سختان - هنگامی که لاف دلیری می‌زنید - صخره‌های سخت را نرم می‌کند، در حالیکه، کردارتان دشمنانتان را در شما به طمع می‌اندازد» (فیض الاسلام، ۱۳۶۵، خطبه ۲۹: فراز ۱)

## جهالت

این شاخص با ویژگی فراگیری؛ و بارویکرد سنتی و جدید داشتن زمینه‌ساز فتنه‌ها و متزلزل نمودن نظام اسلامی است؛ نظر به ضربات جبران ناپذیری که نظام اسلامی از ناحیه این تهدید متحمل شده؛ حضرت در خطبه قاصعه چنین هشدار می‌دهند: «أَلَا وَ قَدْ أَمَعْتُمْ فِي الْبَغْيِ، وَ اءَفْسَدْتُمْ فِي الْأَرْضِ، مُصَارَحَةً لِلَّهِ بِالْمُنَاصِبَةِ، وَ مُبَارَزَةً لِلْمَوْ مَنِينَ بِالْمُحَارَبَةِ! فَاللَّهُ اللَّهُ فِي كَثِيرِ الْحَمِيَّةِ، وَ فَخْرِ الْجَاهِلِيَّةِ فَإِنَّهُ مَلَاقِحُ الشَّانِ، وَ مَنَافِخُ الشَّيْطَانِ، اللَّاتِي خَدَعَ بِهَا الْأُمَّمَ الْمَاضِيَةَ، وَ الْقُرُونَ الْخَالِيَةَ، حَتَّى أَعْنَقُوا فِي حَنَادِسِ جَهَالَتِهِ، وَمَهَاوِي ضَلَالَتِهِ ذُّلًّا عَنِ سِيَاقِهِ» - ترجمه: آگاه باشد در سرکشی و ستم زیاده روی کردید، و در زمین دشمنی با خدا به راه انداختید و آشکارا با بندگان خدا به نبرد پرداختید. خدا را، خدا را! از تکبر و خودپسندی، از تفاخر جاهلی بر حذر

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

باشید. که جایگاه بغض و کینه و رشد و سوسه‌های شیطانی است. امت‌های پیشین و مردمان روزگاران دیرین را فریب داد، تا آنگاه که در ظلمات جهالت او و پرتگاه هلاکت او سرنگون گشتند...» (همان، خطبه ۱۹۲: فراز ۲۷-۳۰)

### بدعت

این شاخص با قدرت تخریب بالا و رویکرد سنتی و جدید داشتن از تهدیدات مهم حوزه فرهنگ- اجتماعی است که به شدت امنیت فرهنگی را به بی ثباتی و تزلزل سوق می‌دهد. نظر به آثار سوء این شاخص بر عوام و خواص جامعه اسلامی؛ حضرت علی(ع) چنین هشدار می‌دهند: «رَجُلٌ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ، فَهُوَ جَائِرٌ عَنْ قَصْدِ السَّبِيلِ، مَشْغُوفٌ بِكَلَامٍ بَدْعَةٍ وَ دُعَاءٍ ضَلَالَةٍ، فَهُوَ فِتْنَةٌ لِمَنْ افْتَنَّ بِهِ، ضَالٌّ عَنْ هُدًى مَنْ كَانَ قَبْلَهُ، مُضِلٌّ لِمَنْ افْتَدَى بِهِ فِي حَيَاتِهِ وَ بَعْدَ وَفَاتِهِ، حَمَالٌ خَطَايَا غَيْرِهِ، رَهْنٌ بِخَطِيئَتِهِ» - ترجمه: مردی که خدا او را به حال خود وا گذاشته و از راه راست دور افتاده است دل او شیفته بدعت است و مردم را گمراه کرده و به فتنه‌ انگیزی می‌کشد؛ و راه رستگاری گذشتگان را گم کرده و طرفداران خود و آیندگان را گمراه ساخته است...» (شیروانی، ۱۳۹۱، خطبه ۱۷: فراز ۱)

### جاه‌طلبی

این شاخص با ویژگی وابستگی و رویکرد دفاعی و تدریجی داشتن؛ به صورت نرم امنیت جامعه را متزلزل می‌کند. شاخص فوق را حضرت علی(ع) در جمع مردم بصره در جریان جنگ جمل با توجه به جاه‌طلبی عایشه چنین هشدار می‌دهد: «وَ أَمَا فَلَانَةٌ فَأَذْرِكُهَا رَأَى النِّسَاءِ، وَ ضَعْنُ غَلَا فِي صَدْرِهَا كَمَرْجَلِ الْقَيْنِ، وَ لَوْ دُعِيَتْ لِنَتَالَ مِنْ غَيْرِي مَا أَتَتْ إِلَيَّ لَمْ تَفْعَلْ، وَ لَهَا بَعْدُ حُرْمَتُهَا الْأُولَى، وَ الْحِسَابُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى» - ترجمه: اما بر فلان زن، (عایشه) اندیشه زنانه غلبه یافت و کینه در سینه او جوشیدن گرفت، همچون بوته آهنگران که در آن فلز گدازند اگر او را فرا می‌خواندند که آنچه با من کرد با دیگری کند، نمی‌پذیرفت. به هر حال، حرمتی که در نخست داشت همچنان، بر جای است و حساب او با خداست.» (فیض الاسلام، ۱۳۶۵، خطبه ۱۵۶: فراز ۲)

## سبک عقلی

این شاخص با ویژگی سلبی؛ و رویکرد ابزاری و واقعی داشتن، نقش اساسی در تزلزل و تخریب نظام اسلامی دارد. این نقش در سال ۳۸ هجری چنین تبیین شده: «... يَا أَشْبَاهَ الرِّجَالِ وَ لَا رِجَالَ حُلُومِ الْأَطْفَالِ وَ عَقُولُ رَبَّاتِ الْجِجَالِ لَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَرُكُمْ وَ لَمْ أَعْرِفُكُمْ مَعْرِفَةً وَ اللَّهُ جَرَّتْ نَدْمًا وَ أَعْقَبَتْ سَدَمًا قَاتَلَكُمْ اللَّهُ لَقَدْ مَلَأْتُ قَلْبِي قَيْحًا وَ شَحَنْتُ صَدْرِي غَيْظًا وَ جَرَعْتُ مَوْنِي نَعَبَ التَّهْمَامِ أَنْفَاسًا وَ أَفْسَدْتُكُمْ عَلَى رَأْيِي بِالْعِصْيَانِ وَ الْخِذْلَانِ حَتَّى - ترجمه: ای به صورت مردان عاری از مردانگی، با عقل کودکان و خرد زنان به حجله آرمیده، کاش نه شما را دیده بودم و نمی شناختمتان. این آشنایی برای من، به خدا سوگند، جز پشیمانی و اندوه هیچ ثمره‌ای نداشت. مرگ بر شما باد، که دلم را مالا مال خون گردانیدید و سینه‌ام را از خشم آکنده ساختید و جام زندگیم را از شرنگ غم لبریز کردید و با نافرمانی‌های خود اندیشه‌ام را تباہ ساختید» (همان، خطبه ۲۷: ۱۳-۱۴)

## ریا

این شاخص با ویژگی انفعالی؛ و رویکرد سخت و نرم داشتن به شدت انسجام اجتماعی را متزلزل؛ و ثبات را به بی ثباتی؛ و مردم را به نفاق سوق می‌دهد. زوایای تهدید فوق را حضرت در جمع مردم کوفه چنین تبیین می‌فرماید: «... وَ مِنْهُمْ مَنْ يَطْلُبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ وَ لَا يَطْلُبُ الْآخِرَةَ بِعَمَلِ الدُّنْيَا قَدْ طَامَنَ مِنْ شَخْصِهِ وَ قَارَبَ مِنْ خَطْوِهِ وَ سَمَرَ مِنْ ثَوْبِهِ وَ زَخَرَفَ مِنْ نَفْسِهِ لِلْأَمَانَةِ وَ اتَّخَذَ سِتْرَ اللَّهِ ذَرِيعَةً إِلَى الْمُعْصِيَةِ. وَ مِنْهُمْ مَنْ أَقْعَدَهُ عَنِ طَلَبِ الْمُلْكِ ضُؤْلُهُ نَفْسِهِ وَ انْقِطَاعُ سَبَبِهِ فَقَصَرَتْهُ الْحَالُ عَلَى حَالِهِ فَتَحَلَّى بِاسْمِ الْقِنَاعَةِ وَ تَزَيَّنَ بِلِبَاسِ أَهْلِ الزَّهَادَةِ وَ لَيْسَ مِنْ ذَلِكَ فِي مَرَاحٍ وَ لَا مَعْدَى» - ترجمه: گروهی که دنیا را طلب می‌کند، با اعمالی که از آن آخرت است ولی آخرت را نمی‌طلبد با اعمالی که از آن دنیاست. چنین کسی خود را چون فرودستان جلوه می‌دهد، به هنگام راه رفتن گام‌های خرد بر می‌دارد، و دامن جامه کوتاه می‌کند و خویشتن به زیور صلاح و امانت می‌آراید و پرده پوشی خدا را وسیله معصیت‌ها قرار می‌دهد. و کسی است که حقارت نفس و فقدان و سیلت موجب آن شده که به طلب فرمانروایی برنخیزد، بلکه به همان حال که بوده‌است بماند. چنین کسی خود را به حيله قناعت می‌آراید و جامه اهل زهد و

پرهیز می‌پوشد و حال آنکه، نه روزی را در زهد به شب آورده و نه شبی را با پرهیزگاری به روز رسانیده است» (همان، خطبه ۳۲: ۴)

### دنیاطلبی

این شاخص با قابلیت بالا و رویکرد دفعی و تدریجی داشتن بشدت توان دفاعی نظام اسلامی را در مقابل تهاجم همه جانبه کاهش می‌دهد؛ نقش مخربی شاخص فوق در سال ۳۸ هجری در جمع مردم کوفه در نخیله چنین تبیین شده: «... أَفَ لَكُمْ لَقَدْ سَمِعْتُمْ عِتَابَكُمْ! أَرْضِيْتُمْ بِالْحَيِّ اِءِ الدُّنْيَا مِنْ الْآخِرَةِ عِوَضًا؟ وَ بِالذُّلِّ مِنَ الْعِزِّ خُلْفًا؟ اِذَا دَعَوْتُكُمْ اِلَى جِهَادٍ عَدُوَّكُمْ دَارَتْ اَعْيُنُكُمْ كَانَكُمْ مِنْ اَلْمَوْتِ فِي غَمْرَةٍ، وَ مِنْ اَلدُّهُوْلِ فِي سَكْرَةٍ، يُرْتَجُّ عَلَيْكُمْ حَوَارِي فَتَعْمَهُوْنَ - ترجمه: ملول و دلتنگم از شما. از این همه سرزنش‌هایتان به تنگ آمده‌ام. آیا به عوض زندگی آخرت به زندگی دنیا خشنود شده‌اید؟ آیا ذلت را جانشین عزت خواسته‌اید؟ هنگامی که شما را به جنگ دشمنان فرا می‌خوانم، چشم‌هایتان در چشمخانه به دوران می‌افتد، گویی که در لجه مرگ دست و پا می‌زنید و از وحشت آن هوش از سرتان پریده است. راه گفت و شنودتان با من بسته است و در پاسخ سخنانم، حیرت زده و سرگردانید...» (دستی، ۱۳۸۳، خطبه ۳۴: فراز ۱)

شاخص فوق بسیار حساب شده و دقیق روحیات و خلیقات عوام و خواص جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی را تخریب می‌نماید. حضرت نظر نقش مخربی این شاخص در متزلزل نمودن ثبات جامعه را چنین هشدار می‌دهند: «اِنَّهَا وَ هِيَ الْمُتَصَدِّیْقَةُ الْعُنُوْنُ، وَ الْجَامِحَةُ الْحُرُوْنُ، وَ الْمَائِنَةُ الْخُنُوْنُ، وَ الْجَحُوْدُ الْكُنُوْدُ، وَ الْعُنُوْدُ الصَّدُوْدُ، وَ الْحَيُوْدُ الْمَيُوْدُ، خَالَهَا اِنْتِقَالٌ، وَ وَطَاءَتْهَا زَلْزَالٌ، وَ عِزُّهَا ذُلٌّ، وَ جِدُّهَا هَزْلٌ، وَ عَلُوُّهَا سُفْلٌ، دَارُ حَرْبٍ وَ سَلْبٍ، وَ نَهْبٍ وَ عَطَبٍ، اءَهْلُهَا عَلٰی سَاقٍ وَ سِيَاقٍ، وَ لِحَاقٍ وَ فِرَاقٍ قَدْ تَحَيَّرَتْ مَذَاهِبُهَا، وَ اَعْجَزَتْ مَهَارِبُهَا، وَ خَابَتْ مَطَالِبُهَا، فَاَسْلَمَتْهُمْ اَلْمَعَاوِلُ، وَ لَفْظَتْهُمْ اَلْمَنَازِلُ - ترجمه: آگاه باش که دنیا چونان روسپی زنی است که چهره می‌نماید و بزودی چهره می‌پوشد. یا چون توسنی است سرکش که کس را رکاب ندهد. دروغ‌گویی است خیانتکار، منکری است کافر نعمت. ستیزه جویی است، چون اشتری که به راه نمی‌آید، کج می‌رود و از راه دور می‌افتد. سرشتش بی‌ثباتی و انتقال است از کسی به دیگر کس. قرارگاهش متزلزل و بی‌قرار است. عزتش ذلت است و جد آن هزل است، بلندیش پستی است. جایگاه ربودن است و غارت و هلاکت. مردمش همواره رفتن را



تهدیدات نظام اسلامی و راهبردهای مقابله با آن از منظر نهج البلاغه

برپای ایستاده‌اند تا به سوی مرگ رانده شوند. اگر به یکی می‌رسند از دیگری جدا می‌افتند. راه‌های همه سرگردانی و گریزگاه‌هایش، بی سرانجامی است و خواسته‌هایش به نومیدی کشنده. پناهگاه‌هایش پناه جویان را تسلیم دشمن کند و منازلش ساکنانش را بیرون افکند» (همان، خطبه ۱۹۱: ۱۴-۱۷)

### هواپرستی

این شاخص با ویژگی وابسته بودن و رویکرد عمدی و غیر عمدی داشتن از جمله تهدیدات بعد اجتماعی است؛ که امنیت نظام را متزلزل؛ و حرکت نظام اسلامی در تحقق اهداف کند و متوقف نموده و بعضاً منجر به عقب نشینی می‌گردد؛ حضرت نقش مخرب شاخص فوق را در پایان جنگ جمل چنین هشدار می‌دهند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَانِ: اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ، وَ طُولُ الْأَمَلِ، فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ، وَ أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْأَخِرَةَ» - ترجمه: ای مردم، آنچه بیش از هر چیز دیگر می‌ترسم که بدان گرفتار آید، دو چیز است، از هوا و هوس پیروی کردن و آرزوهای دراز در دل پروردن پیروی هوا و هوس از حق منحرف می‌کند و آرزوهای دراز، آخرت را از یاد می‌برد.» (شیروانی، ۱۳۹۱، خطبه ۴۲: فراز ۱)

### فتنه

این شاخص با ویژگی هراس‌انگیزی؛ و رویکرد داخلی و خارجی داشتن؛ از شاخص‌های تهدیدات فرهنگی - اجتماعی است که با سرعت، شدت ودقت امنیت و ثبات نظام اسلامی را هدف قرار می‌دهد. در فرازی از خطبه ۱۵۲ نقش تهدید همه جانبه شاخص فوق در متلاشی نمودن ارکان نظام اسلامی چنین تبیین شده: «ثُمَّ يَأْتِي بَعْدَ ذَلِكَ طَالِعُ الْفِتْنَةِ الرَّجُوفِ، وَالْقَاصِمَةِ الرَّخُوفِ، فَتَرِيغُ قُلُوبَ بَعْدَ اسْتِقَامَةٍ، وَ تَضِلُّ رِجَالَ بَعْدَ سَلَامَةٍ، وَ تَخْتَلِفُ الْأَهْوَاءُ عِنْدَ هُجُومِهَا، وَ تَلْتَبِسُ الْأَرَاءُ عِنْدَ نُجُومِهَا، مَنْ أَشْرَفَ لَهَا قَصَمَتْهُ، وَ مَنْ سَعَى فِيهَا حَطَمَتْهُ، يَتَكَادَمُونَ فِيهَا تَكَادَمَ الْحُمْرِ فِي الْعَانَةِ، قَدْ اضْطَرَبَ مَعْقُودُ الْحَيْلِ، وَ عَمِيَ وَجْهُ الْأَمْرِ، تَغِيضُ فِيهَا الْحِكْمَةَ، وَ تَنْطِقُ فِيهَا الظُّلْمَةَ، وَ تَدُقُّ أَهْلَ الْبُدُو بِمِسْخَلِهَا، وَ تَرْضَهُمْ بِكَلْكَلِهَا، يَضِيغُ فِي غُبَارِهَا الْوُحْدَانُ، وَ يَهْلِكُ فِي طَرِيقِهَا الرُّكْبَانُ، تَرْدُ بِمَرِّ الْقَضَاءِ، وَ تَحْلُبُ عَيْبَاتِ الدَّمَاءِ، وَ تَتَلَمَّسُ مَنَارَ الدِّينِ، وَ تَنْقُضُ عَقْدَ الْيَقِينِ، يَهْرَبُ مِنْهَا الْأَكْيَاسُ، وَ يَدْبُرُهَا الْأَرْجَاسُ، مِرْعَادُ مِزَاقِ، كَاشِفَةٌ عَنِ سَاقِ، تَقْطَعُ فِيهَا الْأَرْحَامُ وَ

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

يُفَارِقُ عَلَيْهَا الْإِسْلَامَ، بَرِيئًا سَقِيمًا، وَ طَاعِنًا مُقِيمًا، مِنْهَا: بَيْنَ قَتِيلٍ مَطْلُولٍ، وَ خَائِفٍ مُسْتَجِيرٍ، يَخْتَلُونَ بَعْدَ الْإِيمَانِ ترجمه: آنگاه فتنه دیگر آشکار شود، لرزاننده و کوبنده و شتابنده. دل‌هایی که آرامش یافته‌اند، در کشاکش تردید افتند و مردانی که به راه سلامت گام نهاده‌اند، دچار گمراهی گردند. دل‌ها و رأی‌ها به اختلاف گرایند و اندیشه نادرست و درست به هم مشتبه شوند، هر کس در صدد دفع آن برآید، فروکوبدش و آن را که سعی خویش در نابود کردنش به کار برد، نابود کند. چونان گورخرانی که در گله‌اند و یکدیگر را به دندان می‌آزارند. ریسمان گره بسته، گسیخته شود و چهره حقیقت پوشیده ماند. آب چشمه‌های حکمت فروکش کند و ستمکاران را زبان بگشاید و بدویان را با آهن لجام مرکب خود، بکوبد و با فشار، سینه بر زمین زند. آن را که تکروی کند در غبار خود تباه سازد و دلیران و نیرومندان در راه آن به هلاکت رسند. از شرنگ تقدیر، جامی بر کف دارد و چونان دوشندگان، که شیر دوشند، او خون تازه مردم را بریزد. در منار دین رخنه پدید کند و در یقین استوار مردم شکست اندازد. خردمندان و زیرکان از آن بگریزند و پلیدان و نابکاران به تدبیر کارش پردازند. چون ابری تاریک می‌افکند و می‌غرد. دامن بر کمر زده، مهیای کارزار است. رشته خویشاوندی گسسته گردد. مردم از اسلام جدا شوند. آنکه از آن فتنه دوری گزیده، بیمار آسیب‌های آن است و آنکه خواهد آسبیش را پشت سر نهد و برود، رفتن نتواند جمعی کشته شوند و خونشان به هدر رود و گروهی ترسان در پی یافتن پناهگاهی باشند. پیمان‌ها بندند و فریبشان دهند. و به نام ایمان مغرورشان سازند.» (دشتی، ۱۳۸۳، خطبه ۱۵۲: فراز ۹-۱۴)

## شبهات

این شاخص با ویژگی انفعالی؛ و رویکرد متمرکز و پراکنده داشتن؛ از شاخص‌های تهدیدات فرهنگی - اجتماعی است که در تزلزل و سقوط نظام اسلامی نقش اساسی دارد. نقش مخربی شاخص فوق را حضرت در جمع مردم مدینه که در جریان قتل عثمان دچار شبهه شده بودند را چنین تبیین می‌فرماید: «...أَعْجَبُ مِنْ خَطِّ هَذِهِ الْفِرْقِ عَلَى اخْتِلَافِ حُجَجِهَا فِي دِينِهَا لَا يَفْتَضُونَ أَثَرَ نَبِيٍّ وَ لَا يَفْتَدُونَ بِعَمَلِ وَصِيِّ وَ لَا يُؤْمِنُونَ بِغَيْبٍ وَ لَا يَعْفُونَ عَنْ عَيْبٍ يَعْمَلُونَ فِي الشُّبُهَاتِ وَ يَسِيرُونَ فِي الشَّهَوَاتِ الْمَعْرُوفِ فِيهِمْ مَا عَرَفُوا، وَ الْمُنْكَرِ عِنْدَهُمْ مَا أَنْكَرُوا مَفْرَعَهُمْ فِي الْمُعْضِلَاتِ إِلَى أَنْفُسِهِمْ وَ تَعْوِيلَهُمْ فِي الْمُبْهَمَاتِ عَلَى آرَائِهِمْ كَأَنَّ كُلَّ امْرِئٍ مِنْهُمْ إِمَامٌ نَفْسِهِ قَدْ

تهدیدات نظام اسلامی و راهبردهای مقابله با آن از منظر نهج البلاغه

أَخَذَ مِنْهَا فِيمَا يَرَى بِعُرَى ثِقَاتٍ وَ أَسْبَابِ مُحْكَمَاتٍ - ترجمه: در شگفتی، و چرا در شگفت نباشم از خطاهای این فرقه‌های گوناگون که هر یک را هم در دین خود حجت و دلیلی دیگر است از هیچ پیامبری پیروی نمی‌کنند و به هیچ وصی پیامبری اقتدا نمی‌نمایند و به غیب ایمان ندارند و از عیب نمی‌پرهیزند. اعمالشان شبه‌آمیز است و در طریق هواهای نفسانی خود گام می‌زنند. هر چه را که خود پسندند نیکش دارند و هر چه را که ناخوش دارند منکر شمارند. در مشکلات به افکار و اندیشه‌های خود پناه می‌برند و در مبهمات به آرای خود تکیه دارند. هر یک از آنها گویی که خود پیشوای خود است و چنان پندارد که خود محکم‌ترین دستگیره‌ها و استوارترین وسیله‌هاست» (فیض الاسلام، ۱۳۶۵، خطبه ۸۸: ۳-۵)

### غفلت‌زدگی

این شاخص با ویژگی نسبی؛ و رویکرد بسیط و چند وجهی داشتن از شاخص‌های تهدید بعد فرهنگی - اجتماعی است؛ که در تزلزل امنیت فرهنگی - اجتماعی نظام اسلامی نقش اساسی دارد. عملکرد مخرب شاخص فوق در جمع مردم کوفه چنین تبیین شده: «... مَا لِي أَرَاكُمْ أَشْبَاحًا بِأَلَا أَرُوحًا، وَ أَرُوحًا بِأَلَا أَشْبَاحَ، وَ نَسَاكَ بِأَلَا صَلَاحَ، وَ تَجَارًا بِأَلَا أَرْبَاحَ، وَ أَيْقَاطًا نُومًا، وَ شُهُودًا غُيْبًا، وَ نَاطِرَةً عَمِيَاءَ، وَ سَامِعَةً صَمَاءَ، وَ نَاطِقَةً بِكَمَاءَ» - ترجمه: چیست که شما را کالبدهای عاری از جان می‌بینم که در نمی‌یابید و جان‌های بی‌کالبد که در می‌یابید ولی به کار نمی‌بندید. مردمی به ظاهر اهل عبادت ولی، ناپرهیزگار، بازرگانی سود نابرده، بیدارانی خواب گرفته، به تن حاضر و به دل غایب. توان دیدنتان هست و چون کوران نمی‌بینید. توان شنیدنتان هست و چون کران نمی‌شنوید. توان سخن گفتنتان هست چون لالان، هیچ، نمی‌گویید...» (همان، خطبه ۱۰۸: ۷-۸)

### تبعیت از شیطان

این شاخص با ویژگی پنهانی و ظریف؛ و با رویکرد سخت و نرم داشتن؛ قادر به ایجاد خطرات جدی برای نظام اسلامی است نقش تخریبی گسترده و عمیق این شاخص را حضرت چنین تبیین نموده‌اند: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسْنِي لَكُمْ طُرُقَهُ، وَ يُرِيدُ أَنْ يُحِلَّ دِينَكُمْ عُقْدَةً عُقْدَةً، وَ

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

يُعْطِيكُمْ بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ، وَ بِالْفُرْقَةِ الْفِتْنَةَ-ترجمه: شیطان راه خود را برایتان هموار نموده، می‌خواهد گره رشته ایمانتان بگلسد و به جای اتحاد کارتان را به تفرقه کشد و فتنه و فساد برانگیزاند.» (همان، خطبه ۱۲۱: ۸) عملکرد مخرب این شاخص در منحرف نمودن خواص؛ چنین بیان شده: «قَدْ اصْطَلَحْتُمْ عَلَى الْعِلِّ فِيمَا بَيْنَكُمْ، وَ نَبَتَ الْمَرْعَى عَلَى دِمَائِكُمْ، وَ تَصَافَيْتُمْ عَلَى حُبِّ الْأَمَالِ، وَ تَعَادَيْتُمْ فِي كَسْبِ الْأَمْوَالِ، لَقَدْ اسْتَهَامَ بِكُمْ الْخَبِيثُ، وَ تَاهَ بِكُمْ الْغُرُورُ»- ترجمه: شما در کینه‌ورزی میان خود مصالحه کرده‌اید. دوستی‌هایتان همانند گیاهی است که در پارگی می‌روید، با ظاهری سبز و خرم و باطنی بدبو و رنج‌آور، اگر با یکدیگر راه صفا و دوستی می‌سپرید، انگیزه آن دوستی، آمال و آرزوهاست و اگر با یکدیگر دشمنی می‌ورزید به انگیزه گرد آوردن مال و خواسته است. شما را آن ناپاک، (یعنی شیطان) سرگردان ساخته و، فریبش، گمراه کرده.» (دشتی، ۱۳۸۳، خطبه ۱۳۳: ۱۰)

## نفاق

این شاخص با ویژگی انفعالی؛ و رویکرد دفعی و تدریجی داشتن، امنیت را به هرج و مرج مبدل می‌سازد. نقش و نوع تأثیر این تهدید در جمع مردم کوفه چنین ترسیم شده: «أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَ أَحْذَرِكُمْ أَهْلَ النِّفَاقِ، فَإِنَّهُمْ الضَّالُّونَ الْمُضِلُّونَ، وَ الزَّالُونَ الْمُرْلُونَ، يَتَلَوَّنُونَ الْأَوَانَ، وَ يَفْتَنُونَ أَفْتِنَانًا، وَ يَعْمِدُونَكُمْ بِكُلِّ عِمَادٍ، وَ يَرُصُّونَكُمْ بِكُلِّ مِرْصَادٍ» - ترجمه: ای بندگان خدا، شما را به ترس از خدا سفارش می‌کنم و از منافقان بر حذر می‌دارم. منافقان، گمراهان و گمراه کنندگان‌اند. خود خطا کارند و دیگران را هم به خطا اندازند. هر بار رنگی به خود گیرند و هر روز سخنی دیگر گویند و شیوه‌ای دیگر انگیزند و تا شما را گمراه کنند به هر وسیله چنگ می‌زنند و در هر جا به کمین می‌نشینند..» (همان، خطبه ۱۹۴: فراز ۴-۶)

از منظر نهج‌البلاغه برای تهدیدات اقتصادی چه شاخص‌های مترتب است؟ امنیت اقتصادی ناظر بر روند طبیعی و رو به رشد فرآیندهای اقتصادی و نهادهای تولید، توزیع و مصرف، حیات فعال و بدون دغدغه بنگاه‌های اقتصادی، مالی، بانکی، سرمایه‌ای و بیمه‌ای در بخش‌های عمومی، دولتی و خصوصی، تعامل سازنده با سیستم اقتصادی بین‌المللی و روند فزاینده مبادلات

تهدیدات نظام اسلامی و راهبردهای مقابله با آن از منظر نهج البلاغه

و داد و ستد در بازار تجارت بین‌المللی و ... می‌باشد. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۳۱) این بُعد امنیت تحت تأثیر رفتار بازیگرانی از جمله: افراد، گروه‌های صاحب نفوذ، نهادهای بین‌المللی معارض، با مشکلات متعدد و تهدیدات گسترده مواجه می‌گردد. براساس مطالعات اکتشافی در نهج البلاغه اهم شاخص‌های بُعد تهدید اقتصادی به شرح زیر تبیین و تشریح می‌شود.

### فساد اقتصادی

این شاخص با ویژگی منفی؛ و رویکرد سخت و نرم داشتن؛ نقش اساسی در کاهش سطح همکاری مردم با نظام و خارج شدن پول از مسیر تولید به سمت مشاغل کاذب دارد. از سوی گسترش این تهدید در سطوح مختلف؛ سلب امنیت عمومی در سرمایه‌گذاری را به دنبال دارد. نظر به این عملکرد مخرب، حضرت عبیدالله ابن عباس را که مرتکب چنین بداخلاقی شده بود را اینگونه سرزنش کردند: «فَلَمَّا أَمْكَنَتَكَ الشَّدَّةُ فِي خِيَانَةِ الْأُمَّةِ أَسْرَعْتَ الْكِرَّةَ وَ عَاجَلْتَ الْوُتْبَةَ وَ اخْتَطَفْتَ مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ مِنْ أَمْوَالِهِمْ الْمَصُونَةَ لِأَرَامِلِهِمْ وَ أَيْتَامِهِمْ اخْتِطَافَ الذُّبِّ الْأَزْلُ دَامِيَةَ الْمِعْزَى الْكَسِيرَةَ، فَحَمَلْتَهُ إِلَى الْحِجَازِ رَحِيبَ الصَّنَدِرِ تَحْمِلُهُ غَيْرَ مُتَأْتِمٍ مِنْ أَخَذٍ- ترجمه: چون فرصت به دست آوردی به مردم خیانت کردی و شتابان، تاخت آوردی و برجستی و هر چه میسر بود از اموالی که برای بیوه زنان و یتیمان نهاده بودند، برگرفتی و بربودی انسان، که گرگ تیز چنگ بز مجروح را می‌رباید. اموال مسلمانان را به حجاز بردی، بادی آسوده، بی آنکه خود را در این اختلاس گناهکار پنداری» (شیروانی، ۱۳۹۱ نامه ۴۱: فراز ۵) نظر به اینکه این تهدید پول ملی را از مسیر تولید خارج؛ به سمت ثروت اندوزی سوق می‌دهد حضرت پس از تشکیل حکومت اولین اقدام اقتصادی را معطوف به این مهم نمود. لذا مفسدین این حوزه را چنین مورد خطاب قرار می‌دهند: «وَ اللَّهُ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِالنِّسَاءِ وَ مَلِكَ بِهِ الْإِمَاءَ لَرَدَدْتُهُ»- ترجمه: به خدا سوگند، اگر چیزی را که عثمان بخشیده، نزد کسی بیابم، آن را به صاحبش باز می‌گردانم، هر چند، آن را کابین زنان کرده باشند یا بهای کنیزکان.» (دشتی، ۱۳۸۱: ۸۸)

### رکود اقتصادی

این شاخص با ویژگی فراگیری؛ و رویکرد بسیط و چند وجهی داشتن؛ بخش قابل ملاحظه از چرخه فعالیت‌های اقتصادی را راکد؛ و سیستم اقتصادی را مختل نموده. حضرت نقش تخریبی

این شاخص در نظام اقتصادی کشور را به مالک اشتر چنین گوشزد می‌نمایند: «... وَ أَهْلِهِ. وَ يُيَكُنُّ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ، لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ وَ مَنْ طَلَبَ الْخَرَاجَ بِغَيْرِ عِمَارَةٍ أُخْرِبَ الْبِلَادَ، وَ أَهْلَكَ الْعِبَادَ وَ لَمْ يَسْتَقِمْ أَمْرُهُ إِلَّا قَلِيلًا»- ترجمه: باید تلاش تو در آبادانی زمین بیشتر از جمع‌آوری خراج باشد. که خراج جزء با آبادانی فراهم نمی‌گردد. و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی و مزارع به دست آورد، شهرها را خراب، بندگان خدا نابود، و حکومتش جزء اندک مدتی دوام نیاورد.» (همان، نامه ۵۳: فراز ۸۰)

### احتکار

این شاخص با ویژگی هراس‌انگیزی، و رویکرد ابزاری و واقعی داشتن؛ در متزلزل نمودن ثبات جامعه و نظام نقش اساسی دارد. نظر به نقش تخریبی این شاخص، حضرت مالک اشتر را چنین هشدار می‌دهند: «... وَ تَفَقَّدُ أُمُورَهُمْ بِحَضْرَتِكَ وَ فِي حَوَاشِي بِلَادِكَ وَ اعْلَمْ مَعَدَّيْكَ أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقًا فَاحِشًا وَ شُحًا قَبِيحًا وَ اخْتِكَارَ الْمَنَافِعِ وَ تَحَكُّمًا فِي الْبِيَاعَاتِ وَ ذَلِكَ بَابٌ مَضْرُوبٌ لِلْعَامَّةِ وَ عَيْبٌ عَلَى الْوَلَاةِ. فَامْنَعْ مِنَ الْاِحْتِكَارِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) مَنَعَ مِنْهُ وَ لِيَكُنَّ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمْحًا مَوَازِينِ عَدْلٍ وَ أَسْعَارٍ لَا تَجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنْ وَأَعْوَانِكَ مِنْ أَخْرَاسِكَ وَ شَرَطِكَ حَتَّى يُكَلِّمَكَ مُتَكَلِّمَهُمْ غَيْرَ مُتَّعِعٍ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ: لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنْ الْقَوَى غَيْرَ مُتَّعِعٍ-ترجمه: در کارشان نظر کن، خواه در حضرت تو باشند شهرهای تو. با این همه بدان که بسیاری از ایشان را روشی ناشایسته است و حریص‌اند و بخیل. احتکار می‌کنند و به میل خود برای کالای خود بهاء می‌گذارند، با این کار به مردم زیان می‌رسانند و برای والیان هم مایه ننگ و عیب هستند. پس از احتکار منع کن که رسول‌الله (ص) از آن منع کرده‌است و باید خرید و فروش به آسانی صورت گیرد و بر موازین عدل، به گونه‌ای که در بهانه فروشنده زیان بیند و نه بر خریدار اجحاف شود. پس از آنکه احتکار را ممنوع داشتی، اگر کسی باز هم دست به احتکار کالا زد، کیفرش ده و عقوبتش کن تا سبب عبرت دیگران گردد ولی کار به اسراف نکشد.» (همان، نامه ۵۳: فراز ۹۹)

## رانت اقتصادی

این شاخص با ویژگی نسبی و رویکرد سنتی و جدید؛ امنیت اقتصادی نظام اسلام را متزلزل می‌کند. نظر به آثار مخرب این عمل؛ حضرت شریح قاضی را چنین سرزنش می‌کند: «... بَلَّغَنِي أَنَّكَ ابْتِغَيْتَ دَارًا بِشَمَانِينَ دِينَارًا وَ كَتَبْتَ لَهَا كِتَابًا وَ أَشْهَدْتُ فِيهِ شَهُودًا. فَقَالَ لَهُ: شُرَيْحُ قَدْ كَانَ ذَلِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، قَالَ فَنَظَرَ إِلَيْهِ نَظَرَ الْمُغْضَبِ ثُمَّ قَالَ لَهُ: يَا شُرَيْحُ أَمَا إِنَّهُ سَيَأْتِيكَ مَنْ لَا يَنْظُرُ فِي كِتَابِكَ وَ لَا يَسْأَلُكَ عَنْ بَيْنَتِكَ حَتَّى يُخْرِجَكَ مِنْهَا شَاخِصًا، وَ يُسَلِّمَكَ إِلَى قَبْرِكَ خَالِصًا، فَانظُرْ يَا شُرَيْحُ لَا تَكُونَ ابْتِغَيْتَ هَذِهِ الدَّارَ مِنْ غَيْرِ مَالِكَ أَوْ نَقَدْتَ الثَّمَنَ مِنْ غَيْرِ خَالَئِكَ، فَإِذَا أَنْتَ قَدْ خَسِرْتَ دَارَ الدُّنْيَا وَ دَارَ الْآخِرَةِ- ترجمه: شنیده‌ام خانه‌ای خریده‌ای به هشتاد دینار و برای آن قبالة نوشته‌ای و چند تن را هم به شهادت گرفته‌ای. شریح گفت چنین است یا امیرالمؤمنین. حضرت به خشم در او نظر کرد، سپس فرمود: ای شریح، زودا که کسی بر سر تو آید که در قبالات ننگرد و از شهادتت نپرسد، تا از آنجا برانندت و بی هیچ مال و خواسته‌ای به گورت سپارد. پس، ای شریح، بنگر، نکند که این خانه را از دارایی خود نخریده باشی، یا نقدی که بر شمرده‌ای از حلال به دست نیامده باشد. که اگر چنین باشد هم در دنیا زیان کرده‌ای و هم در آخرت» (همان، نامه ۳ فراز ۱-۴) حضرت ابن مهم را به اشعث بن قیس والی آذربایجان چنین هشدار می‌دهند: «وَ إِنْ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ، وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ وَ أَنْتَ مُسْتَرْعَى لِمَنْ فَوْقَكَ لَيْسَ لَكَ أَنْ تَفْتَاتَ فِي رَعِيَّةٍ، وَ لَا تَخَاطِرُ إِلَّا بِوَيْقَةٍ وَ فِي يَدَيْكَ مَالٌ مِنْ مَالِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ أَنْتَ مِنْ خَزَائِنِهِ حَتَّى تُسَلِّمَهُ إِلَى وَ لَعَلِّي أَنْ لَا أَكُونَ شَرًّا وَ لَأَتِيكَ لَكَ، وَ السَّلَامُ. ترجمه: در دستان تو مالی است از اموال خداوند، عز و جل، و تو خزانه‌دار هستی تا آن را به من تسلیم کنی. امید است که من برای تو بدترین والیان نباشم. و السلام.» (فیض الاسلام، ۱۳۶۵: نامه ۵)

از منظر نهج البلاغه برای تهدیدات سیاسی چه شاخص‌های مترتب است؟ امنیت سیاسی یعنی ثبات سیاسی و حفظ حکومت، موجودیت کشور و ملت، وحدت، انسجام و آشتی ملی و تعامل سازنده بین گروه‌ها و نخبگان سیاسی می‌باشد. (حافظنیا، ۱۳۸۷: ۳۳۰) امنیت سیاسی شامل ثبات سازمانی دولت‌ها، حکومت‌ها و ایدئولوژی مشروعیت بخش به حکومت می‌باشد. زمینه‌های تهدید این بُعد پیچیدگی رفتار بازیگرانی چون: شخصیت‌ها، گروه‌ها، احزاب، نهادهای رسمی و غیر رسمی سازمان‌های داخلی و بین‌المللی؛ و دولت‌ها را می‌باشد تهدیدات سیاسی

ثبات، ایدئولوژی، و ارزش‌های برآمده از نظام سیاسی را هدف قرار می‌دهد. حضرت علی<sup>(ع)</sup> نقش تهدید سیاسی در تزلزل امنیت نظام را در یک نگاه کلی چنین تبیین نموده‌اند: «... وَ مَعَ أَىِّ إِمَامٍ بَعْدِي تُقَاتِلُونَ الْمَعْرُورَ وَاللَّهِ مَنْ عَزَّرْتُمُوهُ وَمَنْ فَازَ بِكُمْ فَقَدْ فَازَ وَاللَّهِ بِالسَّهْمِ الْأَخْيَبِ وَمَنْ رَمَى بِكُمْ فَقَدْ رَمَى بِأَفْوَقِ نَاصِلٍ - ترجمه: بعد از من با کدام امام با دشمن پیکار می‌کنید به خدا سوگند، فریب خورده کسی است که شما او را به وعده دروغ بفریبید. هر که پندارد که به نیروی شما پیروز می‌شود، همانند کسی است که آن تیر از تیرهای قمار نصیب او شود که سودش از همه کمتر است و هر که شما را چون تیر به سوی دشمن افکند، تیر شکسته بی‌پیکان را در کمان رانده...» (دستی، ۱۳۸۳: خطبه ۲۹، فراز ۴) براساس مطالعات اکتشافی در نهج‌البلاغه اهم شاخص‌های تهدید سیاسی به شرح زیر تبیین و تشریح می‌شود.

### تجزیه طلبی

این شاخص با ویژگی انفعالی؛ و رویکرد داخلی و خارجی داشتن؛ وحدت و قدرت نظام اسلامی را بشدت تضعیف می‌کند. حضرت علی<sup>(ع)</sup> در سال ۴۰ هجری در هنگام شکست‌های پی در پی که متأثر از چنین تهدیدی بود مسلمانان را چنین خطاب نموده‌اند «... ما هِيَ إِلَّا الْكُوفَةُ أَقْبِضُهَا وَ أَبْسُطُهَا، إِنْ لَمْ تَكُونِي إِلَّا أَنْتِ تَهْبُ أَعَاصِيرُكَ فَفَبَحَكِ اللَّهُ - ترجمه: برای من جز کوفه قلمروی باقی نمانده است. تنها بست و گشاد کارهای کوفه است که با من است...» (شیروانی، ۱۳۹۱: خطبه ۲۵، فراز اول) در مناسبتی دیگر شاخص فوق چنین تبیین شده: «... كَأَنِّي بِكَ يَا كُوفَةُ تَمْدِينُ مَدَّ الْأَدِيمِ الْعَكَاطِيَّ تُعْرَكِينَ بِالنَّوْازِلِ وَ تُرَكِّبِينَ بِالزَّلَازِلِ - ترجمه: ای کوفه، گویی می‌بینمت که چون چرم عکاظی، از هر طرف کشیده شوی. و پامال حوادث گردی و به بلاها گرفتار آیی...» (همان: خطبه ۴۷)

### فقدان مشارکت

این شاخص با ویژگی سلبی؛ و رویکرد دفاعی و تدریجی داشتن؛ ثبات نظام را به چالش کشیده و دشمنان را تحریک می‌نماید. حضرت این نقش مخرب را چنین هشدار می‌دهند: «... هَذَا جَزَاءٌ مَنْ تَرَكَ الْعُقْدَةَ، أَمَا وَاللَّهِ لَوْ أَنِّي جِئْنَا مَرَّتَكُمْ بِمَا أَمَرْتُمْ بِهِ حَمَلْتُمْ عَلَيَّ الْمَكْرُوهَ الَّذِينَ جَعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرٌ - ترجمه: این است جزای کسی، که آنچه را که بر آن پیمان بسته به کار



تهدیدات نظام اسلامی و راهبردهای مقابله با آن از منظر نهج البلاغه

نبندد. به خدا سوگند، هنگامی که شما را فرمان دادم به آنچه فرمان دادم، شما را به کاری ناخوشایند وا داشتم ولی، کاری بود که خدا خیر شما را در آن نهاده بود» (فیض الاسلام، ۱۳۶۵، خطبه ۱۲۱: فراز ۱)

### ضعف حاکمیت (مقبولیت مشروعیت)

این شاخص با ویژگی ارزش محوری؛ و رویکرد سنتی و جدید داشتن؛ اختلال گسترده در امنیت نظام اسلامی ایجاد می کند، نقش مخرب شاخص فوق چنین تبیین شده: «... اَمَّا بَعْدُ فَاِنَّ مَعْصِيَةَ النَّاصِحِ الشَّفِيقِ الْعَالِمِ الْمُجْرَبِ تَوْرَثُ الْحَسْرَةَ وَ تُعْقِبُ النَّدَامَةَ—ترجمه: اما بعد بدانید که نافرمانی نیکخواه مهربان و دانای مجرب، موجب حسرت است و پشیمانی پی در پی دارد» (همان، خطبه ۳۵: فراز ۲)

### ضعف انسجام ملی

این شاخص با ویژگی سلبی؛ و رویکرد متمرکز و پراکنده داشتن؛ نقش بالای در تضعیف امنیت دارد. نظر به ایجاد وضعیت فوق در کوفه و ضربات سنگین به نظام اسلامی وارد شد حضرت در نکوهش آنها می فرماید: «... لَيْسَ لَعَمْرُ اللَّهِ سَعْرُ نَارِ الْحَرْبِ أَنْتُمْ، تَكَادُونَ وَ لَا تَكِيدُونَ، وَ تُنْقِصُ أَطْرَافَكُمْ فَلَا تَمْتَصِضُونَ، لَا يُنَامُ عَنْكُمْ وَ أَنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ سَاهُونَ! غَلِبَ وَ اللَّهُ الْمُتَخَادِلُونَ، وَ إِيْمَالَهُ إِنْ لَأُظْنَ بِكُمْ أَنْ لَوْ حَمِسَ الْوَعَى، وَ اسْتَحْرَ الْمَوْتُ قَدْ أَنْفَرَجْتُمْ عَنْ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ أَنْفِرَاجَ الرَّأْسِ...» ترجمه: به خداوند سوگند، شما بد وسیله ای برای افروختن جنگ هستید. شما را می فریبند و شما فریب دادن نتوانید. سرزمین یثان را پیاپی می گیرد و پروا ندارد. چشم دشمن همواره در شما می نگرد و شما به خواب غفلت رفته اید. به خدا سوگند، آنانکه یکدیگر را یاری نکردند مغلوب شدند. به خدا سوگند اگر آتش جنگ درگیرد از اطراف پسر ابو طالب همانند جدا شدن سر از تن جدا و پراکنده شوید...» (شیروانی، ۱۳۹۱، خطبه ۳۴: فراز ۴-۵)

### سوء تدبیر

این شاخص با ویژگی وابسته بودن و رویکرد دفعی و تدریجی؛ نظام را متزلزل؛ و بعضاً سرنگونی می کند. نظر به نقش این شاخص در شکل گیری حکمیت، حضرت مسلمانان را چنین

♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

هشدار می دهند: «... وَ قَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّهُ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الْوَالِيَّ عَلَى الْفُرُوجِ وَالذَّمَاءِ وَالْمَعَانِمِ وَالْأَحْكَامِ وَإِمَامَةَ الْمُسْلِمِينَ الْبَخِيلِ، فَتَكُونَ فِي أَمْوَالِهِمْ نَهْمَتُهُ، وَ لَا الْجَاهِلُ فَيُضِلُّهُمْ بِجَهْلِهِ، وَ لَا الْجَافِي فَيَقْطَعُهُمْ بِجَفَائِهِ، وَ لَا الْخَائِفُ لِلدُّوْلِ فَيَتَّخِذَ قَوْمًا دُونَ قَوْمٍ، وَ لَا الْمُرْتَشِي فِي الْحُكْمِ فَيَذْهَبَ بِالْحَقُوقِ، وَ يَقِفُ بِهَا دُونَ الْمَقَاطِعِ وَ لَا الْمَعْطَلُّ لِلسُّنَّةِ فَيَهْلِكَ الْأُمَّةَ» - ترجمه: شما دانسته‌اید، که سزاوار نیست کسی که بر ناموس‌ها، جان‌ها، غنیمت‌ها و احکام مسلمین ولایت دارد و پیشوایی مسلمانان بر عهده اوست، مردی بخیل و تنگ چشم باشد، تا در خوردن اموالشان حریص شود و نیز، والی نباید نادان باشد تا مردم را با نادانی خود گمراه سازد و نباید که ستمکار باشد تا وظیفه روزی آنان را ببرد و نباید از گردش ایام بترسد تا گروهی را همواره بر گروه دیگر برتری دهد، و نه کسی، که در داوری رشوه می‌ستاند، تا رشوه گیرنده حقوق مردم را از میان برده و در بیان احکام و حدود الهی توقف نماید. و نه کسی، که سنت را فرو می‌گذارد تا امت را به هلاکت اندازد.» (همان، خطبه ۱۳۱: ۵-۷)

### فریب کاری

این شاخص با ویژگی نسبی بودن و رویکرد سنتی و جدید داشتن؛ خطری جدی برای نظام سیاسی است. حضرت در سال ۳۶ هجری پس از فتح بصره و کشته شدن طلحه و زبیر شاخص فوق را چنین تبیین می‌فرمایند: «...أَتَوْسَمُّكُمْ بِجَلْبِيَةِ الْمُعْتَرِّينَ حَتَّى سَتَرْتَنِي عَنْكُمْ جِلْبَابُ الدِّينِ وَ بَصَرَتِيكُمْ صِدْقُ النَّيَّةِ» - ترجمه: من همواره در انتظار غدر و مکر شما می‌بودم و در چهره شما نشانه‌های فریب خوردگان را می‌دیدم. شما در پس پرده دین جای کرده بودید و پرده دین بود که شما را از من مستور می‌داشت؛ ولی صدق نیت من پرده از چهره شما برافکند و قیافه واقعی شما را به من بنمود...» (فیض الاسلام، ۱۳۶۵: خطبه ۴ فراز ۳)

### نفاق در بیعت

این شاخص با ویژگی انفعالی، و رویکرد متمرکز و پراکنده داشتن؛ در حذف و کاهش همراهی مردم با نظام نقش اساسی دارد. نظر به وقوع این صفت در بعضی خواص (طلحه و زبیر) و تأثیر که بر شیوه عملکرد عوام داشت، حضرت می‌فرمایند: «يَزْعُمُ أَنَّهُ قَدْ بَاعَ بَيْدَهُ وَ لَمْ يُبَاعِ بِقَلْبِهِ فَقَدْ أَقْرَبَ بِالْبَيْعَةِ وَ ادَّعَى الْوَلِيحَةَ فَلَيَاتِ عَلَيَّهَا بِأَمْرٍ يُعْرَفُ وَ إِلَّا فَلْيَدْخُلْ فِيمَا خَرَجَ مِنْهُ» -

تهدیدات نظام اسلامی و راهبردهای مقابله با آن از منظر نهج البلاغه

ترجمه: می‌گوید که با دستش بیعت کرده و با دلش بیعت نکرده. دست بیعت فرمایش آورد و مدعی شد که در دل چیز دیگری نهان داشته. اگر در ادعای خود بر حق است، باید دلیل بیاورد و گرنه، به جمع یاران من که از آنان دوری گزیده‌است بازگردد.» (همان: خطبه ۸)

### شعارزدگی

این شاخص با ویژگی ارزش محوری و رویکرد ابزاری و واقعی داشتن؛ در تزلزل امنیت نظام نقش اساسی ایفا می‌کند. نظر به چنین نقشی حضرت می‌فرماید: «وَقَدْ أَرَعَدُوا وَ أْبْرَقُوا، وَ مَعَ هَذَيْنِ الْأَمْرَيْنِ الْفُشْلُ»- ترجمه: همانند تندر خروشیدند و چون آدرخش شعله افکندند. با این همه، ترسیدند و در کار بماندند،» (همان: خطبه ۹) حضرت در جای دیگر این شاخص و آثار تخریبی آن را چنین ترسیم می‌فرماید: «أُيِّهَا النَّاسُ الْمُجْتَمِعَةُ أَبْدَانُهُمُ الْمُخْتَلِفَةُ أَهْوَاؤُهُمْ كَلَامُهُمْ يُوْهَى الصُّمَّ الصَّلَابَ وَ فِعْلُهُمْ يُطْمَعُ فِيكُمْ الْأَعْدَاءُ! تَقُولُونَ فِي الْمَجَالِسِ كَيْتَ وَ كَيْتَ... ترجمه: ای مردمی که به تن‌ها مجتمعید و به آراء پراکنده. سخن‌تان هنگامی که لاف دلیری می‌زنید- صخره‌های سخت را نرم می‌کند، در حالی که، کردارتان دشمنان‌تان را در شما به طمع می‌اندازد...» (همان: خطبه ۲۹ فراز اول)

### بیعت شکنی

این شاخص با ویژگی عملی بودن و رویکرد سنتی و جدید داشتن؛ در ابعاد مختلف برای نظام ایجاد بحران می‌نماید و در صورت تداوم زمینه شکست نظام سیاسی را فراهم می‌کند حضرت پیرامون شاخص فوق و نقش تخریبی آن می‌فرماید: «كُنْتُمْ جُنْدَ الْمَرْأَةِ وَ أَتْبَاعَ الْبَهِيمَةِ، رَغَا فَاجَبْتُمْ، وَ عَفَرَ فَهَرَبْتُمْ، أَخْلَاقُكُمْ دِقَاقُ، وَ عَهْدُكُمْ شِقَاقُ، وَ دِينُكُمْ نِفَاقُ، وَ مَاؤُكُمْ زُعَاقُ»- ترجمه: شما سپاهیان آن زن بودید و پیروان آن ستور که چون بانگ کرد اجابتش کردید و چون کشته شد روی به گریز نهادید. خلق و خویتان همه فرومایگی است. پیمان‌هایتان گسستنی است و دین‌تان دورویی است و آب‌تان شور است...» (همان: خطبه ۱۳) این شاخص در جمع رزمندگان در سال ۳۶ هجری هنگام حرکت سپاه اسلام به سوی بصره برای مقابله با پیمان شکنان، چنین تبیین شده: «إِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ تَمَالَتْوَا عَلَى سَخَطَةِ إِمَارَتِي وَ سَأَصْبِرُ مَا لَمْ أَحْفُ عَلَى جَمَاعَتِكُمْ، فَإِنَّهُمْ إِنْ تَمَمُوا عَلَى قِبَالِهِ هَذَا الرَّأْيِ انْقَطَعَ نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَ إِنَّمَا طَلَبُوا هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَدًا لِمَنْ أَفَاهَا اللَّهُ

عَلَيْهِ، فَأَرَادُوا رَدَّ الْأُمُورِ عَلَىٰ أَذْبَارِهَا-ترجمه: همانا ناکثین عهد شکن دست اتحاد به هم داده‌اند و به خلاف من برخاسته‌اند، زیرا از حکومت من ناخشنودند و من صبر می‌کنم تا آنگاه که بترسم که صبر من اختلاف و افتراق شما را در پی داشته باشد. اگر این اندیشه را که در سر دارند، به پایان برند، نظام کار مسلمانان از هم گسیخته گردد. اینان طالبان دنیا هستند، زیرا بر کسی که خداوند حکومت را بر عهده او نهاده است رشک می‌برند و می‌خواهند کارها را بر مسیر جاهلیت گذشته اندازند.» (دستی، ۱۳۸۳، خطبه ۱۶۹: فراز ۴) نظر به نقش مخرب این شاخص حضرت پس از شکل‌گیری فاجعه بزرگ حکمیت در جواب اشعث ابن قیس در حالی که از شدت تأسف دست روی دست کوبیدند چنین فرمودند: «هَذَا جَزَاءُ مَنْ تَرَكَ الْعُقْدَةَ، أَمَا وَاللَّهِ لَوْ أَنِّي حِينَ أَمَرْتُكُمْ بِمَا أَمَرْتُكُمْ بِهِ حَمَلْتُكُمْ عَلَى الْمَكْرُوهِ ترجمه: این است جزای کسی، که آنچه را که بر آن پیمان بسته به کار نبندد. به خدا سوگند، هنگامی که شما را فرمان دادم به آنچه فرمان دادم، شما را به کاری ناخوش آیند...» (همان، خطبه ۱۲۱: فراز ۱-۴)

### نافرمانی

این شاخص با ظرفیت بالا و رویکرد عملی داشتن؛ از مهمترین تهدیدات است؛ نظر به نقش این شاخص در شکل‌گیری حکمیت، حضرت مسلمانان چنین هشدار می‌دهند: «... أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ مَعْصِيَةَ النَّاصِحِ الشَّفِيقِ الْعَالِمِ الْمُجْرَبِ تُورِثُ الْحَسْرَةَ وَ تَعْقِبُ النَّدَامَةَ، وَ قَدْ كُنْتُ أَمَرْتُكُمْ فِي هَذِهِ الْحُكُومَةِ مَرِي، وَ نَخَلْتُ لَكُمْ مَخْرُونَ رَأْيِي، لَوْ كَانَ يُطَاعُ لِقَاصِرِ أَمْرٍ، فَأَيُّتُمُ عَلَىٰ إِيَاءِ الْمُخَالِفِينَ الْجُفَاءَ، وَ الْمُنَابِذِينَ الْعَصَاةَ، حَتَّىٰ ارْتَابَ النَّاصِحُ بِنُصْحِهِ، وَ ضَنَّ الزَّئِدُ بِقَدْحِهِ-ترجمه: اما بعد. بدانید که نافرمانی نیکخواه مهربان و دانای تجرب آموخته، موجب حسرت است و پشیمانی در پی دارد. من در این حکمیت، رأی و نظر خود را با شما در میان نهادم و خلاصه آنچه را که در خزانه رأی داشتم، برایتان آشکار کردم (ای کاش از رأی قصیر پیروی می‌کردند) ولی شما به خلاف من برخاستید، چونان مخالفان جفاپیشه و پیمان شکنان نافرمان. تا آنجا که اندرز دهنده نیکخواه در کار خود به تردید افتاد و آتش زنه در افروختن آتش بخل ورزید.» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، جلد دوم: ۳۵۶) سپاه معاویه با بهره‌گیری از این ضعف سپاه اسلام به قسمتی از بلاد مسلمین در شهر

عین‌التمر<sup>۱</sup> حمله کرد و تلفات سنگینی به نظام سلامی وارد نمود؛ حضرت در نکوهش از این بداخلاقی در سال ۳۹ مسئولین و مردم را چنین سرزنش می‌نمایند: «مُنِيْتُ بِمَنْ لَا يُطِيعُ إِذَا أَمَرْتُ وَلَا يُجِيبُ إِذَا دَعَوْتُ، لَا أَبَا لَكُمْ مَا تَنْتَظِرُونَ بِنَصْرِكُمْ رَبِّكُمْ؟ أَمَا دِينَ يُجَمَعُكُمْ، وَلَا حَمِيَّةَ تُحْمَشُكُمْ؟» - ترجمه: به مردمی گرفتار آمده‌ام، که چون فرمان می‌دهم اطاعت نمی‌کنند و چون فرا می‌خوانم پاسخ نمی‌گویند - ای بی‌ریشه‌ها - چرا در یاری پروردگارتان درنگ می‌کنید آیا دینی نیست که شما را با یکدیگر متحد سازد آیا غیرت و حمیتی نیست که شما را به خشم آورد» (همان، خطبه ۳۹: فراز ۱) نظر به اختلال در امنیت نظام اسلامی از ناحیه این شاخص در، حضرت مردم کوفه چنین نکوهش می‌کنند: «أَشْهُودُ كَعِيَابٍ؟ وَ عَبِيدُ كَأَرْبَابٍ؟ أَتَلُو عَلَيْكُمْ الْحِكْمَ فَتَنْفِرُونَ مِنْهَا، وَ أَعْظَمُكُمْ بِالْمَوْعِظَةِ الْبَالِغَةِ فَتَتَفَرَّقُونَ عَنْهَا، وَ أَحْتَكُمُ عَلَى جِهَادِ أَهْلِ الْبُعْغَى فَمَا آتَى عَلَى آخِرِ قَوْلِي حَتَّى أَرَاكُمْ مُتَفَرِّقِينَ أَيَادِي سَبَاءٍ. تَرْجِعُونَ إِلَى مَجَالِسِكُمْ، وَ تَتَخَادَعُونَ عَنْ مَوَاعِظِكُمْ، أَقَوْمُكُمْ غُدُوَّةً، وَ تَرْجِعُونَ إِلَى عَشِيَّةِ كَطَهْرِ الْحَيَّةِ» - ترجمه: حاضرانی هستیید به مثابه غایبان و بندگانی هستیید چون خداوندان. سخنان حکمت‌آمیز بر شما خواندم از آن رمیدید. به اندرزهای نیکو پندتان دادم هر یک از سویی پراکنده شدید. شما را به جهاد با تبهکاران فرا می‌خوانم، هنوز سختم به پایان نرسیده، می‌بینم هرکس که به سویی رفته‌است، آنسان که قوم (سبا) پراکنده شدند. به جایگاه‌های خود باز می‌گردید و یکدیگر را به اندرزهای خود می‌فریبید. هر بامداد شما را همانند چوب کجی راست می‌کنم و شب هنگام خمیده چون پشت کمان نزد من باز می‌گردید. راست کننده به ستوه آمده و، کار بر آنچه راست می‌کند دشوار گردیده» (همان، خطبه ۹۷: فراز ۴)

### بی بصیرتی

این شاخص با ویژگی ارزش محوری، و با رویکرد متقارن و نامتقارن داشتن؛ همواره آسیب‌های جبران‌ناپذیری به نظام اسلامی تحمیل نموده؛ حضرت نقش این شاخص را هنگام قرآن بر نیزه کردن شامیان، و متزلزل شدن سپاه اسلام را، چنین هشدار می‌دهند: «أَلَمْ تَقُولُوا

---

۱. مالک بن کعب فرماندار امام در آن منطقه بود که حدود ۱۰۰ نفر نیرو بیشتر در اختیار نداشت. در این نبرد نعمان بن بشیر با بیش از ۲۰۰۰ نیرو به این منطقه تهاجم نمود حضرت دستور بسیج جهت مقابله صادر نمودند اما مردم از فرمان حضرت سرپیچی نمودند.

عِنْدَ رَفْعِهِمُ الْمَصَاحِفَ حَيْلَةً وَ غَيْلَةً وَ مَكْرًا وَ خَدِيعَةً: إِخْوَانًا وَ أَهْلٌ دَعَوْتَنَا اسْتَقَالُونَا، وَ اسْتَرَاخُوا إِلَيَّ كِتَابَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ، فَالرَأْيُ الْقَبُولُ مِنْهُمْ، وَ التَّنْفِيسُ عَنْهُمْ، فَقُلْتُ لَكُمْ: هَذَا أَمْرٌ ظَاهِرُهُ إِيمَانٌ وَ بَاطِنُهُ عُدْوَانٌ، وَ أَوْلُهُ رَحْمَةٌ، وَ آخِرُهُ نَدَامَةٌ،- ترجمه: آیا آنگاه که از روی حيله گری و فریب و مکر و نیرنگ قرآن‌ها را برافراشتند، شما نگفتید، که اینان برادران و همکیشان ما هستند که به کتاب خدا پناه برده‌اند و از ما می‌خواهند که خطاهای گذشته آنها را بیخشاییم و مصلحت آن است که از آنان بپذیریم و اندوه از دلشان بزداييم من به شما گفتم، که این کاری است که بیرونش ایمان است و درونش تجاوز و ستم. آغازش رحمت و مهربانی است و پایانش پشیمانی.» (همان، خطبه ۱۲۲: فراز ۹-۵)

### هرج مرج

این شاخص با ویژگی انفعالی بودن و رویکرد بسیط و چند وجهی داشتن؛ به شدت ثبات را تهدید و امنیت را متزلزل می‌کند. حضرت در صحرائی صفین آثار سوء این شاخص بر امنیت نظام را چنین هشدار می‌دهند: «... وَ إِذَا غَلَبَتِ الرَّعِيَّةُ وَ الْيَهَاءُ، أَوْ أَجْحَفَ الْوَالِي بِرَعِيَّتِهِ، اخْتَلَفَتْ هُنَالِكَ الْكَلِمَةُ، وَ ظَهَرَتْ مَعَالِمُ الْجَوْرِ، وَ كَثُرَ الْإِدْعَالُ فِي الدِّينِ، وَ تَرَكْتُ مَحَاجُ السُّنَنِ، فَعَمِلَ بِالْهَوَى، وَ عَطَلَتِ الْأَحْكَامُ، وَ كَثُرَتْ عِلَلُ النُّفُوسِ، فَلَا يُسْتَوْحَشُ لِعَظِيمِ حَقِّ عَطَلٍ، وَ لَا لِعَظِيمِ بَاطِلٍ فُعِلَ، فَهُنَالِكَ تَذَلُّ الْأَبْرَارُ، وَ تَعِزُّ الْأَشْرَارُ، وَ تَعْظُمُ تَبِعَاتُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عِنْدَ الْعِبَادِ- ترجمه: ... و اگر رعیت بر والی خود چیره گردد یا والی بر رعیت ستم روا دارد، در این هنگام، میان آنها اختلاف کلمه پدید آید و نشانه‌های جور پدیدار آید و تباهاکاری در دین بسیار شود و عمل به سنت‌ها متروک ماند و به هوا و هوس کار کنند و احکام اجرا نگردد و دردها و بیماری‌های مردم افزون شود و کس از پایمال شدن حق بزرگ و رواج امور باطل بیمی به دل راه ندهد. در این هنگام نیکان به خواری افتند و بدان عزت یابند و بازخواست‌های خداوند از بندگان بسیار گردد...» (شیروانی، ۱۳۹۱، خطبه ۲۱۶: فراز ۱۱-۹)

از منظر نهج البلاغه برای تهدیدات نظامی چه شاخص‌های مترتب است؟ این امنیت ناظر است بر قابلیت و توانائی نیروهای مسلح و سازه دفاعی کشور برای حفاظت ملت، دولت و ارزش‌های اساسی و حیاتی آن در برابر تهدید و تهاجم نظامی خارجی است. با توجه به اینکه در تاریخ بشر تجارت زیادی در زمینه تهدید امنیت از طریق تهاجم نظامی وجود دارد و متقابلاً از

تهدیدات نظام اسلامی و راهبردهای مقابله با آن از منظر نهج البلاغه

طریق نیروی نظامی امر دفاع یا امنیت فراهم شده است بنابر این بعد نظامی امنیت در گذشته بر جسته تر بوده است (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۹) این بُعد امنیت به نحوه تعامل قابلیت‌های تهاجمی و تدافعی دولت‌ها و نحوه برداشت آنها از نیت یکدیگر می‌پردازد؛ به همین سان تهدیدات نظامی موجودیت و بقای یک جمع (گروه، جامعه یا دولت) را هدف قرار می‌دهد. تهدید نظامی ملموس‌ترین و عینی‌ترین شکل تهدید است. براساس مؤلفه‌های قدرت نظامی و جایگاه نیروهای مسلح در نهج البلاغه برای تهدیدات نظامی شاخص‌های متصور است که اهم آنها شرح زیر تبیین و تشریح می‌شود.

### کاهش منابع مالی

این شاخص با ویژگی وابسته بودن و رویکرد ابزاری و واقعی داشتن؛ نقش اساسی در تزلزل امنیت دارد شاخص فوق خطاب به مالک اشتر چنین ابلاغ شده: «ثُمَّ لَا قِوَامَ لِلْجُنُودِ إِلَّا بِمَا يُخْرِجُ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْخَرَاجِ الَّذِي يَقْوُونَ بِهِ عَلَىٰ فِی جِهَادِ عَدُوِّهِمْ وَ يَعْتمِدُونَ عَلَيْهِ فِيمَا يُصَلِّحُهُمْ وَ يَكُونُ مِنْ وَّرَاءِ حَاجَتِهِمْ» - ترجمه: و پایداری سپاهیان جزء به خراج و مالیات رعیت انجام نمی‌شود. که با آن برای جهاد با دشمن تقویت شوند و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند و نیازمندیهای خود را بر طرف سازند ...» (دستی، ۱۳۸۳، نامه ۵۳: فراز ۴۵)

### ضعف نیروهای مسلح

این شاخص با ویژگی پنهانی؛ و رویکرد داخلی و خارجی داشتن؛ امنیت نظام را مختل می‌کند. حضرت این مهم را چنین هشدار می‌دهند: «...أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَالْأُخْرَى الْمُعَاهِدَةَ فَيَتَنَزَعُ حِجْلَهَا وَ قَلْبَهَا وَ قَلَادِيْدَهَا وَ رُعْتَهَا فَلَوْ أَنَّ أَمْرًا مُسْلِمَاتٍ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفَا مَا كَانَ بِهِمْ لَوْ مَا بَلَ كَانَ بِهِ عِنْدِي جَدِيرًا فَيَا عَجَبًا وَعَجَبًا وَاللَّهِ - ترجمه: شنیده‌ام که یکی از آنها بر زن مسلمانی داخل شده و دیگری بر زنی از اهل ذمه و خلخال، دستبند، گردنبند و گوشواره‌اش را ربوده‌اند... اگر مرد مسلمانی پس از این رسوایی از اندوه بمیرد، نه تنها نباید ملامتش کرد بلکه مرگ را سزاوارتر است...» (شیروانی، ۱۳۹۱، خطبه ۲۷: فراز ۷)

### ضعف فرماندهی

این شاخص با ویژگی سلبی بودن و رویکرد بسیط و چند وجهی داشتن؛ در حوزه‌های مختلف نظام سیاسی اختلال ایجاد می‌کند. نظر به چنین نقشی، حضرت کمیل را به عنوان فرماندهی ناکارآمد چنین سرزنش می‌کنند: «... فَقَدْ صِرْتُ جَسْرًا لِمَنْ أَرَادَ الْغَارَةَ مِنْ أَعْدَائِكَ عَلَى أَوْلِيَائِكَ غَيْرَ شَدِيدِ الْمَنْكِبِ، وَ لَأَمْهِيْبِ الْجَانِبِ، وَ لَأَسَادًا تُغْرَهُ، وَ لَأَكَاسِرٍ لِعَدُوِّ شَوْكَةً، وَ لَأَمُنٍ عَنِ أَهْلِ مِصْرِهِ، وَ لَأَمْجَزٍ عَنِ أَمِيرِهِ، وَ لَأَسْلَامٌ» - ترجمه: ... تو به مثابه پلی شده‌ای که هرکس از دشمنانت بخواهد بر دوستانت تاخت آورد، از آن پل می‌گذرد. چگونه است که تو را توان هیچ کاری نیست و کس را از مهابت تو بیمی به دل نیست. مرزی را نتوانی بست و بر شوکت دشمن شکست نتوانی آورد. نه نیاز مردم شهر را بر می‌آوری و نه فرمانده خود را خشنود توانی ساخت. والسلام» (دشتی، ۱۳۸۲، نامه ۶۱: فراز ۳)

**(و) فقدان حمیت ملی و هویت دینی:** این شاخص با ویژگی عملی بودن و رویکرد متقارن و نامتقارن داشتن نقش حیاتی در کاهش توان رزم نیروهای مسلح دارد. نظر به چنین نقش مخربی در سال ۳۸؛ حضرت چنین هشدار می‌دهند: «يُعَارُ عَلَيْكُمْ وَ لَا تُعَيِّرُونَ وَ تَعَزُونَ وَ لَا تَعَزُونَ وَ يُعْصَى اللَّهُ وَ تَرْضَوْنَ» - ترجمه: وقتی می‌نگرم که شما را آماج تاخت و تاز خود قرار می‌دهند و از جای نمی‌جنبید، بر شما می‌تازند و شما برای پیکار دست فرا نمی‌کنید، می‌گوییم، که ای قباح و ذلت نصیبتان باد! خدا را معصیت می‌کنند و شما بدان خشنودید» (فیض الاسلام، ۱۳۶۵، خطبه ۲۷: فراز ۹)

### سستی در جهاد

این شاخص با ویژگی انفعالی، و رویکرد دفاعی و تدریجی داشتن؛ توان دفاعی نیروهای مسلح را به شدت تضعیف می‌کند. نظر به نقش این شاخص در سقوط شهر انبار؛ حضرت علی(ع) در سال ۳۸ در خطبه‌ای پیامدهای این شاخص را چنین تبیین می‌نمایند: «... أَلَا وَ إِنِّي قَدْ دَعَوْتُكُمْ إِلَى قِتَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَيْلًا وَ نَهَارًا وَ سِرًّا وَ إِعْلَانًا، وَ قُلْتُ لَكُمْ أَغْزَوْهُمْ قَبْلَ أَنْ يَغْزَوْكُمْ فَوَاللَّهِ مَا غَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي عَقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا دَلُّوا فَتَوَاكَلْتُمْ وَ تَخَادَلْتُمْ حَتَّى شُنْتُ عَلَيْكُمْ الْغَارَاتُ وَ مُلِكتَ عَلَيْكُمْ» - ترجمه: شب و روز، در نهان و آشکارا، شما را به نبرد با این قوم فرا خواندم و گفتم که پیش از آنکه سپاه بر سرتان کشند، بر آنها بتازید. به خدا سوگند، به هیچ قومی در

۱. انبار شهری است مرزی بین عراق و شام در ۷۲ کیلومتری بغداد در کرانه شرقی فرات مقابل شهر هیت



تهدیدات نظام اسلامی و راهبردهای مقابله با آن از منظر نهج البلاغه

خانه‌هایشان تاخت نیاوردند. مگر آنکه زبون خصم گشتند. شما نیز آن قدر از کارزار سر بر تافتید و کار را به گردن یکدیگر انداختید و یکدیگر را نصرت ندادید، تا هر چه داشتید به باد یغما رفت و سرزمینتان جولانگاه دشمنانتان گردید...» (شیروانی، ۱۳۹۱: خطبه ۲۷) این مهم در جمع مردم کوفه چنین تبیین شده: «... أَقَوْمٌ فِيكُمْ مُسْتَصْرِخًا، وَ أَنْادِيكُمْ مُنْغَوَاتًا، فَلَا تَسْمَعُونَ لِي قَوْلًا، وَ لَا تُطِيعُونَ لِي أَمْرًا، حَتَّى تَكْشِفَ الْأُمُورَ عَنْ عَوَاقِبِ الْمَسَاءِ، فَمَا يُدْرِكُ بِكُمْ ثَارًا، وَ لَا يُبْلَغُ بِكُمْ مَرَامٌ» - ترجمه: در میان شما ایستاده، بانگ برداشته، یاری می‌طلبم، ندایتان می‌دهم، مگر به فریاد رسید. دریغا، که هیچ سخنی از من نمی‌شنوید و هیچ فرمانی را به کار نمی‌بندید. سرانجام، پایان ناگوار کارها پدیدار خواهد شد. نپندارم که به پایمردی شما از کس انتقامی توان گرفت یا به مقصودی توان رسید» (همان: خطبه ۳۹ فراز ۳)

### ترس از مرگ

این شاخص با ویژگی هراس انگیزی و رویکرد متقارن و نامتقارن داشتن؛ کارائی سپاه اسلام را به شدت کاهش می‌دهد شاخص فوق در خطبه ۲۷ چنین تبیین شده: «... يُعَارُ عَلَيْكُمْ وَ لَا تُغَيِّرُونَ وَ تُغَزُونَ وَ لَا تُغَزُونَ ... إِلَيْهِمْ فِي أَيَّامِ الْحَرِّ قُلْتُمْ: هَذِهِ حَمَارَةٌ الْقَيْظِ أَمِهْلَنَا يُسَبِّحُ عَنَّا الْحَرُّ وَ إِذَا أَمَرْتَكُمْ بِالسَّيْرِ إِلَيْهِمْ فِي الشِّتَاءِ قُلْتُمْ، هَذِهِ صَبَارَةٌ الْقَرِّ أَمِهْلَنَا يَنْسَلِخُ عَنَّا الْبَرْدُ كُلُّ هَذَا فِرَارًا مِنْ الْحَرِّ وَ الْقَرِّ إِذَا كُنْتُمْ مِنَ الْحَرِّ وَ الْقَرِّ تَفِرُونَ فَانْتُمْ وَ اللَّهُ مِنَ السَّيْفِ أَقْر» - ترجمه: وقتی می‌نگرم که شما را آماج تاخت و تاز خود قرار می‌دهند و از جای نمی‌جنبید، بر شما می‌تازند و شما برای پیکار دست فرا نمی‌کنید، ... چون در گرمای تابستان به کارزارتان فراخوانم، می‌گویید هوا سخت گرما است، مهلت‌مان ده تا گرما فروکش کند، چون در سرمای زمستان به کارزارتان فراخوانم، می‌گویید هوا خیلی سرد است مهلت‌مان ده تا سرما بشکند. این همه که از سرما و گرما می‌گریزید به خدا قسم از شمشیر گریزان‌ترید...» (دشتی، ۱۳۸۳، خطبه ۲۷: فراز ۱۰-۱۱)

### عدم انگیزه

این شاخص با ویژگی نسبی بودن و رویکرد متمرکز و پراکنده داشتن، به شدت توان رزم نیروهای مسلح را کاهش داده و امنیت نظام را متزلزل نماید. نظر به نقش شاخص فوق در شکست سپاه اسلام از حمله ضحاک ابن قیس و غارت کاروان حجاج؛ حضرت در سال ۳۸

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

هجری می‌فرمایند: «... وَاللَّهِ مَنْ غَرَّرْتُمُوهُ وَمَنْ فَازَ بِكُمْ فَازَ بِالسَّهْمِ الْأَخْيَبِ وَمَنْ رَمَى بِكُمْ فَقَدْ رَمَى بِأَفْوَقِ نَاصِلِ أَصْبَحَتْ وَاللَّهِ لِأَصْدَقِ قَوْلِكُمْ وَلَا أَطْمَعُ فِي نَصْرِكُمْ وَلَا أُوْعِدُ الْعُدُوَّ بِكُمْ مَا بَالِكُمْ؟ مَا دَوَاؤُكُمْ؟ مَا طِبُّكُمْ؟ الْقَوْمُ رِجَالٌ أَمْثَالِكُمْ أَقْوَالًا بَغَيْرِ عِلْمٍ! وَ عَقْلَهُ مِنْ غَيْرِ وَرَعٍ! وَ طَمَعًا فِي غَيْرِ حَقِّ؟!»: ترجمه: به خدا سوگند، فریب خورده کسی است که شما او را به وعده دروغ بفریبید. هر که پندارد که به نیروی شما پیروز می‌شود، همانند کسی است که آن تیر از تیرهای قمار نصیب او شود که سودش از همه کمتر است و هر که شما را چون تیر به سوی دشمن افکند، تیر شکسته بی‌پیکان را در کمان رانده. به خدا سوگند، به جایی رسیده‌ام که دیگر سخن شما باور نمی‌کنم و به یاری شما امید نمی‌بندم و دشمن را به شما بیم نمی‌دهم شما را چه می‌شود داروی درد شما کدام است؟ علاج شما چگونه است. دشمنان شما نیز مردمی همانند شمایند. آیا هرچه گفتید، همه از روی نادانی بود؟ یا از سر غفلت و ناپرهیزکاری؟ یا در چیزی که حق شما نبود طمع ورزیده بودید؟» (شیروانی، ۱۳۹۱، خطبه ۲۹: فراز ۴-۶)

### غفلت‌زدگی

این شاخص با ویژگی وابسته بودن و رویکرد دفعی و تدریجی داشتن قادر است ساختار و سازمان نیروهای مسلح را نا کارآمد کند؛ این عامل سم مهلک در سیستم دفاعی تلقی می‌شود. نقش مخرب این شاخص در سال ۳۸ هجری، چنین تبیین شده: «...لَيْسَ لَعَمْرُ اللَّهِ سَعْرُ نَارِ الْحَرْبِ أَنْتُمْ، تُكَادُونَ وَ لَا تَكِيدُونَ، وَ تَنْتَقِصُ أَطْرَافَكُمْ فَلَا تَمْتَعِضُونَ، لَا يُنَامُ عَنْكُمْ وَ أَنْتُمْ فِي عَقْلِهِ سَاهُونَ! غُلِبَ وَ اللَّهُ الْمُتَخَادِلُونَ، وَ أَيْمُ اللَّهُ إِنِّي لَأَظُنُّ بِكُمْ أَنْ لَوْ حَمَسَ الْوَعَى، وَ اسْتَحَرَّ الْمَوْتَ قَدْ أَنْفَرَجْتُمْ عَنْ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ أَنْفِرَاجِ الرَّأْسِ-ترجمه: به بقای خداوند سوگند، که افروختن آتش جنگ را، چه نامناسب مردمی هستید. شما را می‌فریبند و شما فریب دادن نتوانید. دشمن، زمین‌هایتان را یک می‌گیرد و به خشم نمی‌آید. چشم دشمن همواره در شما می‌نگرد و شما به خواب غفلت و بی‌خبری رفته‌اید. به خدا سوگند، آنان که یکدیگر را وا گذاشتند و یاری نکردند مغلوب شدند. پندارم که چون جنگ درگیر شود و کشتار به غایت رسد، چنان از گرد پسر ابوطالب پراکنده شوید که دیگر بازگشتی برایتان نباشد، بدانگونه که سر بریده دیگر به بدن نچسبد» (همان، خطبه ۳۴: فراز ۴-۶)

## فراز از جنگ

این شاخص با ظرفیت بالا و رویکرد عمدی و غیر عمدی از شاخص‌های است که دشمنان با بهره‌گیری از آن امنیت نظام را هدف قرار می‌دهند. نظر به نقش مخرب این شاخص در تزلزل امنیت؛ حضرت در سال ۳۹ هجری می‌فرمایند: «... مَسِيرٌ مِنْ مَنَاسِيرِ أَهْلِ الشَّامِ أَغْلَقَ كُلَّ رَجُلٍ مِنْكُمْ بَابَهُ وَ أَنْجَحَرَ أَنْجِحَارَ الضَّبَّةِ فِي جُحْرِهَا وَ الضَّبُعِ فِي وَجَارِهَا! الدَّلِيلُ وَ اللّٰهُ مَنْ نَصَرْتُمُوهُ - ترجمه: هر بار که طلایه لشکر شام از دور پدیدار گردد، هر یک از شما به خانه خود می‌گریزید و در را به روی خود می‌بندید. همانند سوسماری، که از بیم، در سوراخ خود پنهان می‌شود، شما نیز به سوراخ خود می‌خزید. یا مانند کفتار به لانه پنهان می‌شوید. به خدا سوگند، خوار و ذلیل کسی است که شما یاریش کرده باشید...» (همان، خطبه ۶۹: فراز ۱) در هنگام نبرد صفین خطاب به فراریان از صحنه؛ این مهم را چنین هشدار می‌دهند: «وَ كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَيْكُمْ تَكْشُونَ كَشِيشَ الضَّبَابِ، لَا تَأْخُذُونَ حَقًّا، وَ لَا تَمْنَعُونَ ضَيْمًا، قَدْ خَلَيْتُمْ وَالطَّرِيقَ، فَالْتَّجَاءُ لِلْمُقْتَحِمِ، وَالْهَلَكَةُ لِلْمُتَلَوِّمِ - ترجمه: گویی می‌بینم‌تان که از جنگ می‌گریزید و هیاهو می‌کنید. همانند سوسماران که در کنار هم می‌روند و از برخورد پوست‌های شان به یکدیگر آوازی چنین بر می‌خیزد. نه در صد گرفتن حقی هستید و نه در خیال دفع ستمی. راهتان باز است. رهایی، از آن کسی است که خود را در کارهای دشوار افکند و هلاکت نصیب کسی، که در کار درنگ نماید.» (همان، خطبه ۱۲۳: فراز ۴)

**سؤال سوم:** نهج‌البلاغه چه راهبردهای را در قبال تهدیدات فوق ارائه نموده است؟ با توجه به مباحث مطرح شده پیرامون امنیت و تهدیدات متصور بر امنیت نظام اسلامی با مطالعات اکتشافی در مصحف شریف نهج البلاغه راهبردهای زیر در خصوص مقابله با تهدیدات متصور احصاء گردید:

## راهبرد نظامی

نظر به ظرفیت بالا شاخص‌های متصور برای تهدید نظامی با بهره‌گیری از آموزهای دینی سه راهبرد برای مقابله با تهدیدات این حوزه ارائه می‌شود

۱. بهره‌گیری کامل از ظرفیت نیروهای مسلح بر اساس رهنمود حضرت به مالک اشتر که می‌فرمایند:

**الف) امنیت داخلی:** حُصُونُ الرَّعِيَّةِ - دژهای استوار رعیت‌اند. **ب) امنیت سیاسی:** وَ زَيْنُ الْوَالِدَةِ - زینت والیان. **ج) امنیت اعتقادی:** وَ عِزُّ الدِّينِ - دین خدا به آنها عزت یابد. **د) امنیت اقتصادی:** وَ سُبُلُ الْأَمْنِ - راه‌ها به آنها امن گردد **ه) امنیت اجتماعی:** وَ لَيْسَ تَقْوَمُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ - و کار رعیت جز به آنها استقامت نپذیرد... (خان احمدی، ۱۳۹۲: ۲۳۴)

۲. حفظ و ارتقاء آمادگی دفاعی، براساس توصیه قرآن کریم که می‌فرماید: «... وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ» - ترجمه: و آماده کنید برای مشرکان هر چه توانید از نیرو و اسبان بر آخور بسته شد تا بترسانید بدان آمادگی دشمن خدا را و دشمن خود را (که کفار مکه‌اند) و نیز دشمنان دیگر را غیر از کفار مکه که نمی‌شناسید ایشان را (به نفاق) خدا می‌شناسدشان...» (قرآن کریم، انفال: ۶۰) ارتقاء آمادگی دفاعی بر اساس توصیه حضرت علی(ع) به مردم و کارگزاران کوفه که می‌فرماید: «... فَخَذُوا لِلْحَرْبِ أَهْبَتَهَا وَ أَعِدُّوا لَهَا عُدَّتَهَا فَقَدْ سَبَّ لَهَا وَ عَلَا سَنَاهَا وَ اسْتَشْعِرُوا الصَّبْرَ فَإِنَّهُ أَدْعَى إِلَى النَّصْرِ» - ترجمه: برای جنگ آماده شوید و ساز و برگ نبرد مهیا دارید که آتش جنگ افروخته شده و شعله آن بالا گرفته است...» (خان احمدی، و همکار، ۱۳۹۱: ۱۷۱)

## راهبرد سیاسی

نظر به شاخص‌های احصاء شده برای تهدید سیاسی که در مباحث قبل به آن اشاره گردید برای مقابله با تهدیدات متصور راهبردهای زیر ارائه می‌شود:

۱. راهبرد بصیرت افزایی: این راهبرد را حضرت در خطبه‌ای در شهر مدینه چنین تبیین می‌فرماید: «... وَ قَدْ فُتِحَ بَابُ الْحَرْبِ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْقِبْلَةِ، وَ لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَ الصَّبْرِ وَ الْعِلْمِ بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ - جنگ میان شما و اهل قبله آغاز شده‌است و این پرچم را حمل نتواند کرد، مگر کسی که بصیر و شکیبیا باشد و جای حق را بشناسد...» (شیروانی، خطبه ۱۷۳: فراز ۴-۵) در خطبه ۱۵۰ راهبرد فوق چنین تبیین شده: «حَمَلُوا بَصَائِرَهُمْ عَلَى أَسْيَافِهِمْ - بصیرت‌هایی(بینش‌های) خود را بر شمشیرها بنشانید» (همان، خطبه ۱۵۰) علامه مجلسی این راهبرد را به نقل از حضرت چنین بیان می‌فرماید: «... إِنْ الْقِتَالُ لَيْسَ بِأَكْثَرِهِ وَ الْبَصِيرَةُ - ترجمه: نبرد با فزونی نیست بلکه با بصیرت و بینش کامل است...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵۵) این راهبرد را حضرت در جای دیگر چنین تبیین می‌فرماید: «... ما در عصر پیامبر با بسیاری

تهدیدات نظام اسلامی و راهبردهای مقابله با آن از منظر نهج البلاغه

سپاهیان نمی جنگیدیم بلکه تنها باینش و بصیرت به نبرد با دشمنان بر می‌خاستیم ...» (امین، ۱۴۰۶: ۷۷) امام سجاد(ع) این راهبرد را در قالب دعا چنین تبیین می‌فرماید: «... خدایا رزمندگان ما را به آنچه بصیرت ندارند بصیرت عطا کن ...» (غرویان، ۱۳۸۱، ترجمه صحیفه سجادیه ۲۷ فراز ۵) فرماندهی معظم کل قوا امام خامنه‌ای این راهبرد را چنین ترسیم می‌فرماید: «... اینی که من در طول چند سال گذشته همیشه بر روی بصیرت تأکید کرده‌ام، به خاطر این است که یک ملتی که بصیرت دارد، مجموعه جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت می‌کنند و قدم برمی‌دارند، همه تیغ‌های دشمن در مقابل آنها کُند می‌شود؛ بصیرت این است...» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۷/۱۵)

۲. راهبرد همت بلند: حضرت این راهبرد را چنین تبیین می‌فرماید: «... فَشُدُّوا عَقْدَ الْمَآزِرِ، وَأَطَوْوا فُضُولَ الْخَوَاصِرِ، لَا تَجْتَمِعُ عَزِيمَةٌ وَوَلِيمَةٌ، مَا أَنْقَضَ النَّوْمَ لِعَزَائِمِ الْيَوْمِ، وَأَمْحَى الظُّلْمَ لِتَذَاكِيرِ الْأَهْمَمِ» - ترجمه: پس کمربندها را محکم کنید و دامن‌ها را بر کمر زنید. زیرا به میدان نبرد رفتن، کار دیگر است و به بزم سوز رفتن، کاری دیگر. ای بسا خواب نوشین شب هنگام، تصمیم‌های روز را باطل سازد و چه بسا تاریکی‌ها تصمیم‌ها را از یادها بزدايد. (شیروانی، ۱۳۹۱: خطبه ۲۴۱)

## راهبرد اجتماعی

نظر به شاخص‌های احصاء شده برای تهدیدات اجتماعی - فرهنگی و تأثیری این شاخص‌ها بر سایر ابعاد؛ برای مقابله با تهدیدات فوق راهبرد اسلام محوری ارائه می‌شود:

از منظر نهج البلاغه اسلام دارای چنان ظرفیتی است که اگر نظام اسلامی حرکات خود را حول محور آن قرار دهند قادر به دفع هر نوع تهدید می‌باشند نهج البلاغه ظرفیت‌های این راهبرد را چنین معرفی می‌نماید:

**الف) مقابله با غفلت‌زدگی:** ثُمَّ إِنَّ هَذَا الْإِسْلَامَ دِينَ اللَّهِ الَّذِي اصْطَفَاهُ لِنَفْسِهِ - و این اسلام دین خداست، که آن را برای خود برگزید و به نظر عنایت خویش در آن نگریست و پرورش داد. **ب) مقابله با تفرقه:** وَاصْطَنَعَهُ عَلَى عَيْنَيْهِ، وَاصْفَاهُ خَيْرَةَ خَلْقِهِ، وَأَقَامَ دَعَائِمَهُ عَلَى مَحَبَّتِهِ - بهترین آفریدگان خود را برای تبلیغ آن اختیار کرد. و ستون‌های آن را بر بنیاد دوستی خود برپای داشت **ج) مقابله با انحراف:** أَدَلَّ الْأَذْيَانَ بِعِزِّهِ وَوَضَعَ الْمِلالَ بِرَفْعِهِ، وَبِهِ عِزَّتْ وَغَلَبَهُ، دین‌های دیگر را خوار ساخت و با برافراشتن آن ملت‌های دیگر را فرو داشت. **د)**

**مقابله با جهالت:** وَ أَهَانَ أَعْدَاءَهُ بِكَرَامَتِهِ، وَ خَذَلَ مُحَادِّثِهِ بِنَصْرِهِ، وَ هَدَمَ أَرْكَانَ الضَّلَالَةِ بِرُكْنِهِ- با گرمی داشت آن دشمنانش را پست نمود و با یاری کردن آن، معارضانش را فرو گذاشت. پایه‌هایش را محکم ساخت تا ارکان گمراهی فرو ریزد. **(ه) مقابله با کوته نظری طلبی:** وَسَقَى مَنْ عَطِشَ مِنْ حَيَاضِهِ، وَ أَتَقَّ الْحَيَاضَ بِمَوَاتِحِهِ. ثُمَّ جَعَلَهُ لَا أَنْفِصَامَ لِعُرْوَتِهِ، وَ لَا فَكًّا لِحَلْقَتِهِ، وَ لَا أَنْهَادًا لِأَسَاسِهِ- تشنه کامان را از آبگیرهای آن سیراب نمود و آبگیرها را برای بردارندگان آب پر ساخت. سپس، آن را به گونه‌ای استواری بخشید که دستگیره‌اش را گسستن نباشد و حلقه‌هایش را گسودن نبود و شالوده‌اش منهدم نگردد **(ز) مقابله با بدعت:** وَ لَا زَوَالَ لِدَعَائِمِهِ، وَ لَا انْقِطَاعَ لِشَجَرَتِهِ، وَ لَا انْقِطَاعَ لِمَدْيَتِهِ، وَ لَا عَقَاءَ لِشَرَائِعِهِ، وَ لَا جَذَّ لِفُرُوعِهِ- و ستون‌هایش فرو نیفتند و درختش از ریشه برنیاید و زمانش به پایان نرسد و قوانینش کهنه و محو و شاخه‌هایش بریده نگردد. **(ح) مقابله با شبهات:** وَ لَا ضَنْكَ لَطَرْفِهِ، وَ لَا وُعُوثَةَ لِسُهُولَتِهِ، وَ لَا سَوَادَ لَوُضْحِهِ، وَ لَا عَوْجَ لِانْتِصَابِهِ، وَ لَا عَصَلَ فِي عُودِهِ، وَ لَا وِعْتَ لِفَجْحِهِ، وَ لَا انْطِفَاءَ لِمَصَابِيحِهِ، وَ لَا مَرَارَةَ لِحَلَاوَتِهِ- راه‌هایش تنگ و گذار دشتهای هموارش دشوار نشود و رنگ کدورت نگیرد و استقامتش کجی نپذیرد و چوب مستقیم آن خمیده نگردد. راه‌های گشادهاش به تنگنا بدل نشود و چراغ‌های فروزان‌ش خاموشی نگیرد و شیرینی‌ش به تلخی نگراید. **(ط) مقابله با فتنه:** فَهُوَ دَعَائِمٌ أَسَاحٌ فِي الْحَقِّ أَسَاخُهَا، وَ ثَبَّتَ لَهَا أَسَاسَهَا، وَ يَنَابِيعُ غَزْرَتْ عُيُونُهَا، وَ مَصَابِيحُ شَبَّتْ نِيرَانُهَا، وَ مَنَارٌ اقْتَدَى بِهَا سُقَارُهَا-اسلام را ستون‌هایی است که خدا پایه‌هایشان را بر بنیان حقیقت استوار ساخته. چشمه‌هایی است با جوشش فراوان و چراغ‌هایی است با پرتوی تابان و نشانه‌هایی است که مسافران‌ش بدان راه جویند. **(ی) مقابله با انحرافات و جهالت:** وَ أَعْلَامٌ قُصِدَ بِهَا فِجَاجُهَا، وَ مَنَاهِلٌ رَوَى بِهَا وُرَادُهَا- علامت‌هایی است برای گمگشتگان در راه‌ها. و آبشخوری است که هر که بدان در آید، سیراب شود. **(ک) مقابله با تبعیت از شیطان:** جَعَلَ اللَّهُ فِيهِ مُتَّهِيَ رِضْوَانِهِ، وَ ذِرْوَةَ دَعَائِمِهِ، وَ سَنَامَ طَاعَتِهِ- خداوند نهایت خشنودی و بلندترین نقطه ستون‌های ادیان خود را در آن قرار داد. و عالیترین درجه اطاعت از خود را در پیروی آن نهاد. **(ک) مقابله با ریاکاری:** فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ وَثِيقُ الْأَرْكَانِ، رَفِيعُ الْبُنْيَانِ، مُنِيرُ الْبُرْهَانِ، مُضِيءُ النَّيْرَانِ، عَزِيزُ السُّلْطَانِ، مُشْرِفُ الْمَنَارِ، مُعَوِّذُ الْمُتَّارِ- دین اسلام در نزد خدا دینی است با ارکانی استوار و بنیانی رفیع و برهانی روشن و چراغی تابان و قدرتی پیروزمند و نشانه‌هایی بلند، که کس را یاری خلاف آن نیست. **(گ) مقابله با جاه طلبی:** فَشَرَّفُوهُ، وَ اتَّبَعُوهُ، وَ أَدَّوْا إِلَيْهِ حَقَّهُ، وَ

تهدیدات نظام اسلامی و راهبردهای مقابله با آن از منظر نهج البلاغه

ضَعُوهُ مَوَاضِعَهُ - پس بزرگش دارید و پیرویش کنید و حقش را ادا نمایید و در موضع عز خود جایش دهید (فیض الاسلام، ۱۳۶۵، خطبه ۱۹۸: فراز ۱۲-۲۰)

## راهبرد اقتصادی

نظر به شاخص‌های احصاء شده برای تهدید اقتصادی که در مباحث قبل به آن اشاره گردید نهج البلاغه برای مقابله با تهدیدات متصور راهبرد زیر را ارائه می‌شود:

۱. راهبرد توسعه اقتصادی: راهبرد فوق را حضرت چنین ترسیم می‌فرماید: «... وَ يَسْتَرِطُ عَلَى الَّذِي يَجْعَلُهُ إِلَيْهِ أَنْ يَتْرَكَ الْمَالَ عَلَى أَصُولِهِ، وَ يُنْفِقَ مِنْ ثَمَرِهِ حَيْثُ أَمَرَ بِهِ وَ هَدَىٰ لَهُ، وَ أَنْ لَا يَبِيعَ مِنْ أَوْلَادٍ نَخِيلَ هَذِهِ الْقُرَىٰ وَ دِيْنَةَ حَتَّىٰ تُشْكَلَ أَرْضُهَا غِرَاسًا - ترجمه: شرط می‌کنم که اصل مال را به همان گونه که هست باقی گذارد و از ثمره آن هزینه کند، به شیوه‌ای که بدان مأمور شده و راهنمایی گشته‌است. دیگر اینکه، نهال‌های نخل‌های آن قریه‌ها را نفروشد تا به قدری فراوان گردند که شناختن نخلستان‌ها برای کسی، که آنها را پیش از این دیده‌است، دشوار باشد...» (دستی، ۱۳۷۹: نامه ۴۰۳)

۲. راهبرد نظارت بر مسئولین: این راهبرد چنین ترسیم شده «... ثُمَّ تَفَقَّدُ أَعْمَالَهُمْ وَ ابْعَثِ الْعِيُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَ الْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السَّرِّ لِأَمْوَالِهِمْ حَذْوَةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَ الرَّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ - ترجمه: سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و وفا پیشه برآنان بگمار که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان سبب امانتداری و مهربانی با رعیت خواهد بود» (همان، فراز: ۷۳)

## نتیجه‌گیری

به طور کلی تدوین گزارش تحقیق آخرین مرحله فرایند پژوهشی به شمار نمی‌رود؛ زیرا اغلب پژوهش‌های علوم رفتاری به منظور هدف‌های بنیادی و کاربردی در زمینه‌های مختلف انجام می‌شود. اگر پژوهشگر نتواند نظرات و نتایج تحقیق خود را به صورت روش قابل فهم بیان کند. به کار علمی وی لطمه خواهد خورد (سرمد و همکاران، ۱۳۷۷: ۲۵) از همین جهت محقق براین باور است نظر به نگاه بسیط و ژرف نهج البلاغه به تهدیدات و راهبردهای مقابله با آن؛ پنج سطح امنیت به شرح زیر برای نظام اسلامی شکل می‌گیرد:

۲. امنیت سیاسی: نظر به اینکه تهدید سیاسی قدرت، حاکمیت و کلیت نظام سیاسی را به مخاطره می‌اندازد؛ با توجه به راهبرد: «فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ... وَ زَيْنُ الْوَلَدِ - نیروهای مسلح ... زینت والیان.» (رهبر، ۱۳۶۸: ۵۳ ۶۱) و نظر به راهبرد: «الْأَمَانَةُ نِظَامًا لِلْأُمَّةِ، وَ الطَّاعَةُ تَعْظِيمًا لِلْإِمَامَةِ - امامت را برای نظام امت و اطاعت را برای بزرگداشت امام» (دشتی، ۱۳۸۲، حکمت: ۲۵۲) بهترین ظرفیت امنیت سیاسی برای نظام اسلامی شکل می‌گیرد.

۳. امنیت نظامی: نظر به اینکه تهدید نظامی مرزهای جغرافیایی نظام را به مخاطره می‌اندازد؛ با توجه به راهبرد: «وَ الْجِهَادُ عِزُّ الْإِسْلَامِ - و جهاد را برای عزت و ارجمندی اسلام» (همان، حکمت: ۲۵۲) و نظر به راهبرد: «... فَخُذُوا لِلْحَرْبِ أُهْبَتَهَا وَ أَعِدُوا لَهَا عِدَّتَهَا فَقَدْ شَبَّ لَطَافًا وَ غَلَا سَنَاهَا - ترجمه: برای جنگ را آماده شوید و ساز و برگ نبرد مهیا دارید که آتش کارزار افروخته شده و شعله آن بالا گرفته است» (همان، خطبه ۲۶: فراز ۵) بهترین ظرفیت امنیت نظامی برای نظام اسلامی شکل می‌گیرد.

۴. امنیت اقتصادی: نظر به اینکه تهدید اقتصادی سیستم تولید و استقلال اقتصادی نظام را به مخاطره می‌اندازد؛ با توجه به راهبرد: «فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ... وَ سُبُلُ الْأَمْنِ - نیروهای مسلح ... راه‌ها به آنها امن گردد.» (رهبر، ۱۳۶۸: ۵۳ ۶۱) و نظر به راهبرد: «وَ الزَّكَاةُ تَسْبِيحًا لِلرِّزْقِ - زکات را برای رسیدن روزی» (شیروانی، ۱۳۹۱: حکمت ۲۵۲) بهترین ظرفیت امنیت اقتصادی برای نظام اسلامی شکل می‌گیرد.

۵. امنیت اجتماعی - فرهنگی: نظر به اینکه تهدید این حوزه هویت و انسجام اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد با توجه به راهبرد «فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ... حُصُونُ الرَّعِيَّةِ - نیروهای مسلح ... دژهای استوار رعیت‌اند» (رهبر، ۱۳۶۸: ۵۳) و نظر به راهبرد «...النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعًا لِلْسُّفَهَاءِ - و نهی از منکر را برای باز داشتن سفیهان از زشتی‌ها» (دشتی، ۱۳۸۳: حکمت ۲۵۲) بهترین ظرفیت امنیت اجتماعی - فرهنگی برای نظام اسلامی شکل می‌گیرد.

۶. امنیت اعتقادی: نظر به اینکه تهدید این حوزه باورها و ارزشهای اعتقادی مسلمانان را به مخاطره می‌اندازد؛ با توجه به راهبرد: «فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ... عِزُّ الدِّينِ - نیروهای مسلح ... دین خدا به آنها عزت یابد» (رهبر، ۱۳۶۸: ۵۳ ۶۱) و نظر به راهبرد: «فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيرًا مِنَ الشُّرْكِ - خداوند ایمان را واجب نمود، برای پاک‌سازی دل‌ها از شرک» (شیروانی، ۱۳۹۱: حکمت ۲۵۲) بهترین ظرفیت امنیت اعتقادی برای نظام اسلامی شکل می‌گیرد.



## پیشنهادات

نظر به چشم‌انداز نظام اسلامی که حضرت امام<sup>(ع)</sup> چنین ترسیم فرمودند: «...جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست جنگ ما جنگ فقر و غنا بود جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد. (همان، ج ۲۱: ۲۸۶) و نظر به اینکه: «... مطلب مهم در هر پژوهش علمی این است که کار تحقیقی باید همیشه با اجتهاد و اظهار نظر توأم باشد و محقق در پایان کار براساس مطالعات انجام شده به طور قاطع نظر خود را در باره موضوع اعلام دارد تا به گسترش دامنه معرفتی علم و یافته‌های موجود کمک نماید. در غیر این صورت، تحقیق از ارزش علمی بالائی برخوردار نبوده و اعتبار علمی زیادی نخواهد داشت... همین فرآیند، از طریق تازه‌آفرینی تحقیقات علمی باعث غنی شدن و تقویت ادبیات یک حوزه علمی شده، در یک حرکت جمعی هماهنگ قلمرو معرفتی انسان را افزایش و توسعه داده، علم و فناوری را دائماً تکامل و گسترش می‌دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۲۲۱) در راستای ارتقاء سطح معرفت مدافعان نظام اسلامی به تهدیدات متصور و نهادینه شدن راهبردها؛ پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می‌شود:

### ۱. سطح پژوهشی

- کارگروهی متشکل از متخصصین حوزه و دانشگاه در راستای تبیین و تشریح ابعاد تهدید و شاخص‌های هر بعد و سایر ابعاد که در نوشتار حاضر قابل ارائه نبود مجاهدت نمایند.
- همایش ملی با همکاری مراکز علمی و تحقیقاتی حوزه و دانشگاه در راستای جمع‌آوری نظرات متخصصین این حوزه برگزار شود.
- مؤلفین متعهد و متخصص در این خصوص اقدام به تألیف آثار علمی نمایند.

### ۲. سطح آموزشی

مراکز آموزشی نیروهای مسلح خصوصاً در سطوح راهبردی و حوزه‌های علمیه بخشی از منابع درسی را به این امر اختصاص دهند.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ جُنْدِكَ فَإِنَّ جُنْدَكَ هُمُ الْغَالِبُونَ (قمی، ۱۳۸۴: ۵۰)

### منابع:

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشهای (۱۳۷۶) قم: انتشارات لقاء.
- آزر، ادوارد و همکار (۱۳۷۹) به سوی اندیشه بدیل در امنیت ملی در جهان سوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- امام خمینی (ره) روح الله (۱۳۶۸) صحیفه نور جلد ۱۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی (ه) روح الله (۱۳۶۸) صحیفه نور جلد ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امین، سید محمدحسین (۱۴۰۶. ه. ق) اعیان الشیعه، بیروت: انتشارات دارالتعارف.
- بوزان، باری، (۱۳۷۸) «مردم، دولت و هراس» تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تریف، تری و دیگران، (۱۳۸۳) مطالعات امنیتی نوین، ترجمه علیرضا طیب و همکار، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سرمد، زهره و همکاران (۱۳۸۵) مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: انتشارات سمت.
- شیروانی، علی (۱۳۹۱) ترجمه نهج البلاغه، قم: دفتر نشر معارف.
- دشتی، محمد (۱۳۸۳) «ترجمه نهج البلاغه»، قم: انتشارات لاهیجی.
- دشتی، محمد (۱۳۸۲) امام علی (ع) و امور نظامی، قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر المومنین (ع).
- دشتی، محمد (۱۳۸۱) امام علی (ع) و نظارت مردمی، قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر المومنین (ع).
- دشتی، محمد (۱۳۷۹) امام علی (ع) و اقتصاد، قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر المومنین (ع).
- دری نجف‌آبادی، قربانعلی (بی‌تا) نگاهی به امنیت از منظر امیرالمؤمنان (ع) تهران: فصلنامه علمی- پژوهشی حکومت اسلامی شماره ۱۸.
- دانشگاه عالی دفاع ملی (۱۳۸۷) «تهدیدات قدرت ملی»، تهران: انتشارات دانشگاه دفاع ملی.
- دانشگاه عالی دفاع ملی (۱۳۸۷)، «نظریه امنیت» تهران: انتشارات دانشگاه دفاع ملی.

تهدیدات نظام اسلامی و راهبردهای مقابله با آن از منظر نهج البلاغه

- ذوالفقاری، حسین و عساریان نژاد، حسین (۱۳۸۹)، رویکرد امنیت داخلی در مقابله با تهدید نرم، تهران: فصلنامه علمی- پژوهشی شماره ۲۹ دانشگاه دفاع ملی.
- رهبر، محمد تقی (۱۳۶۸)، سیاست و مدیریت از دیدگاه امام علی (ع) تهران: نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴) امنیت ملی و نظام بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
- حافظنیا، محمدرضا، (۱۳۸۷)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: آستان قدس رضوی.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۹) مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چاپ هفدهم، تهران: انتشارات سمت.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۱) مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.
- خان احمدی، اسماعیل (۱۳۹۲) امنیت پایدار در نظام سیاسی اسلام از منظر نهج البلاغه، فصلنامه علمی- پژوهشی آفاق امنیت، شماره پانزدهم، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- خان احمدی، اسماعیل (۱۳۹۱) منشور فرماندهی کارآمد در نیروی انتظامی از منظر نهج البلاغه، فصلنامه علمی- پژوهشی مدیریت اسلامی، شماره پانزدهم، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- خان احمدی، اسماعیل (۱۳۹۲) نقش بصیرت در ارتقاء توان رزم نیروهای مسلح فصلنامه علمی- پژوهشی راهبرددفاعی، شماره ۴۴، تهران: مرکز تحقیقات راهبرد دفاعی.
- خان احمدی، اسماعیل (۱۳۹۱) بررسی ابعاد اطلاعات در عصر اطلاعات، فصلنامه علمی- ترویجی مدیریت پژوهش‌های دفاعی، شماره ۶۷، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- قمی شیخ عباس (۱۳۸۴) مفاتیح الجنان، ترجمه الهی قمشاهی، قم: نشر محمد.
- غروی‌ان محسن و همکاران (۱۳۸۱) صحیفه سجادیه، قم: الهادی.
- فیض الاسلام سیدعلی نقی، (۱۳۶۵ ه.ش)، شرح نهج البلاغه، قم: انتشارات فقیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳) بحارالانوار، بیروت: انتشارات دارالاحیاء.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۹۰) پیام امیرالمؤمنین شرح جدیدی بر نهج‌البلاغه، جلد ۵ قم: انتشارات علی ابن ابی‌طالب.
- (۱۳۹۰) پیام امیرالمؤمنین شرح جدیدی بر نهج‌البلاغه،
- جلد ۹ قم: انتشارات علی ابن ابی‌طالب.